

مسائل عربی

ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۳۷

تیر ماه

جزوه اول

جریان مشروح دومین گنگره حزب توده ایران

دکتر رضا رادمش

گزارش همی هیئت اجرائیه وقت حزب توده ایران
در دومین گنگره حزب

وضع جهانی

در پایان جنگ جهانی در نسبت قوا مابین دو سیستم سوسیالیستی و سرمایه داری تغییرات عمده ای بنفع دموکراسی صورت گرفته است. نخستین جنگ جهانی در نتیجه تزاری را از بویغ تسلط سرمایه داری آزاد ساخت و پیروزی انقلاب اکبر در جبهه بین المللی سرمایه شکنی ایجاد کرد. جنگ دوم جهانی بنوبه خود با شکست فاشیسم و تضعیف وضع جهان سرمایه داری و نفوذ نهضت های ضد فاشیستی، کشورهای مرکزی و شرقی و جنوب شرقی اروپا را از حیطه اقتدار سیستم سرمایه داری خارج نمود و باینصورتی شکافی که انقلاب اکبر در جبهه حکومت جهانی سرمایه داری گشوده بود با وارد شدن این کشورها در جبهه سوسیالیسم وضعتر گردید.

در کشورهای شرقی اروپا رژیم تازه ای جانشین رژیم های فرسوده شد؛ اصول کهنه قرون وسطائی یکی پس از دیگری لغو گردید؛ حکومت در این کشورها - با بدست کارگران و کشاورزان افتاد؛ امتیازات مالکین بزرگ و کارخانه داران ملغی شد، مؤسسات بزرگ صنعتی ملی گردید؛ دوات های جدید بانکاء امیال و آرزوهای توده های وسیع مردم کشورهای خود با اقدامات اصلاحی وسیعی دست زدند و اصلاحاتی در پیش گرفتند که رژیم سرمایه داری قرن ها از انجام آن عاجز بود.

با این رفورم ها کشورهای اروپای شرقی علاوه بر اینکه از شر ارتجاع داخلی و امپریالیزم خارجی برای همیشه نجات یافتند پایه های مستحکم زندگی نوینی را نیز گذاشتند که از هم اکنون آینده بسیار درخشانی را نوید میدهند.

اهمیت واقعات بین المللی اتحاد جماهیر شوروی در نتیجه دومین جنگ جهانی بدرجات بالا رفت؛ بطوریکه امروز اتحاد چنانچه شوروی بعنوان مدافع نیرومند و پیش آهنگ نام قوای شرقی و دموکراتیک جهانی تلقی میگردد.

قیافه جهان سرمایه داری نیز در نتیجه دومین جنگ جهانی با از بین رفتن آلمان و ژاپن و ایتالیا تغییرات عمده ای یافت.

باز بین رفتن آلمان و ژاپن و ایتالیا سه قدرت از هفت قدرت بزرگ قبل از جنگ دوم جهانی (آلمان، ژاپن، انگلستان، امریکای شمالی، شوروی، فرانسه، ایتالیا) بکلی از بین رفتند؛ فرانسه از این جنگ بسیار ضعیف بیرون آمد انگلستان ب مقام یک دولت درجه دوم تنزل یافت، کشورهای متحده امریکای شمالی و اتحاد جماهیر شوروی دو قدرتی هستند که از جنگ اخیر در دو جهت مختلف یکی در جهت امپریالیستی و دیگری در جهت دمکراتیک توانستند نیرومندتر خارج شدند.

قدرت امریکا به علت جریان اقتصادی که از هم اکنون آثار بروز نزدیک آن آشکار است و تضادهائی که در دستک سرمایه داری موجود است بضمیمه میگراید، در صورتیکه بر قدرت اتحاد جماهیر شوروی بواسطه سیستم اقتصادی جریان ناپدید آن افزوده میشود.

در دوران جنگ، انگلستان بسبب ضعف اقتصادی و نظامی نتوانست مستعمرات و ممالک تحت نفوذ خود را چنانچه باید حفظ کند، امریکا قدرت خود را در مستعمرات و ممالک تحت نفوذ انگلستان بسط داد و در خانه جنگ انگلستان در مستعمرات و ممالک تحت نفوذ خود از یک طرف با تهافت آزادی بخش توده ها و از طرف دیگر با تفوق سیاسی امپریالیزم امریکا رو برو شد.

امریکا تنها قدرت سرمایه داری است که بعلمت سیاست سوداگران و عدم شرکت موثر در جنگ، از جنگ نه تنها ضعیف نشد، بلکه هم از احاطه اقتصادی و هم از نظر نظامی نیرومندتر گردید.

سرمایه داری امریکا با استفاده از برتری خود در جهان سرمایه داری میخواهد موقعیت مهم و منافع عظیمی که در دوره جنگ کسب نموده است در زمان صلح حفظ نماید و حتی بر آن بیافزاید.

نظریه سابق کناره گیری از سیاست جهان (ایزولاسیونسم) که روزی طرفداران زیادی در امریکاداشت به نظریه توسعه طلبی (اکسپانسیونسم) اقتصادی و نظامی زمامداران امروزی دال استریت تبدیل گردیده است.

امروز سرمایه داری امریکا از ضعف و فقر عمومی کشورهای اروپای باختری برای تبدیل آنها به کشورهای تحت الحمايه جدا کتر استفاده میکند.

باین ترتیب امریکای تنها قدرت خود را در سراسر ممالک امریکای جنوبی و ممالک مستعمره و نیمه مستعمره و ممالک تحت نفوذ، انگلستان بسط و توسعه داده است بلکه ممالک اروپای

غربی را نیز به بازارهای امنه و پایگاههای نظامی خود مبدل کرده است. موافقی که در مقابل امریکا وجود دارد از این قرار است.

۱- امریکا در قدم اول در اجرای سیاست توسعه طلبی خود در همه جا با نفوذ و قدرت دائم التزاید ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی اتحاد جماهیر شوروی روبرو میشود.

۲- مانع دیگر سیاست توسعه طلبی امریکا کشورهای دموکراسی جدید شرق اروپا است که جنگ اخیر آنها را از بویغ تسلط سرمایه ترست های بزرگ امریکائی و اروپائی خارج ساخته و در اردوگاه دموکراسی و ضد امپریالیستی وارد کرده است.

۳- مانع سوم سیاست توسعه طلبی امریکا نهضت های وسیع کارگری و تشکیلات احزاب مرفقی است که هرروز قوای خود را در مبارزه با نفوذ و آقائی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی امپریالیزم امریکا متمرکزتر مینمایند.

۴- مانع چهارم در مقابل نفوذ سیاست امپریالیستی امریکا جنبش توده های وسیع در ممالک عقب افتاده و مستعمره و نیمه مستعمره مانند چین و یونان و اندونزی و هندوستان و برمه و ممالک عربی و ایران و ترکیه است.

در این کشورها که شاهد عینی آثار شوم سیاست مداخله جویانه و جنگ طلبی امریکا و انگلستان میباشد باوجود شرایط بسیار سخت و اعمال ضد دموکراتیک هیئت های حاکمه خود، نهضت های توده ای روز بروز با نفوذتر میشوند و فعالیت های وال استریت را حتی المقدور عقیم میکنند.

۵- مانع پنجم سیاست توسعه طلبی امریکا اتحادیه های کارگری و توسعه نهضت های مرفقی در خود امریکا است.

مردم مرفقی حاضر نیستند که با تقویت سیاست جنگ طلبی ترست های امریکائی و نامین تسلط اروپایان و وال استریت زنجیرهای بندگی و اسارت زحشکشان امریکا را سنگینتر نمایند.

اربابان و وال استریت زمامداران امروزی امریکائی شمالی را در همه جا بر ضد اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای دموکراسی جدید خاور اروپا و نهضت های مرفقی ممالک اروپای باختر و ممالک شرق دور و شرق نزدیک و شرق میانه و ممالک امریکائی جنوبی هدایت مینمایند.

ترست های امریکائی برای تامین تسلط اقتصادی خود و به منظور برقراری حلقه معاصره در حول اتحاد جماهیر شوروی از مرتجعین محلی ممالک همجوار شوروی استفاده میکنند با هرگونه نهضت های مرفقی مبارزه مینمایند.

با قانون «فعالیت ضد امریکائی» و صرف ده ها میلیون دلار برای اجرای آن تحت نظر کمسیون هرکب از نمایندگان کنگره، امریکا سعی میکند از توسعه و نفوذ نهضت ها و اتحادیه های کارگری چارگیری نماید، امریکا تحت عنوان دروغین دموکراسی از دستگاه های ارتجاعی در کشورهای چین و یونان و ترکیه و ایران حمایت میکند.

امروز جبهه ارتجاع بین المللی به تنای واقعی کف بهمت فرانکوها، سالازارها، شوماخرها، دکلها، دکاسیریها، شومن ها، بلوم هانلی ها، یوبن ها، قوام ها و امثال و اقربان آنها در سر کبشی تشکیل یافته است.

امریکا و انگلستان کلبه اقدامات ارتجاعی و ضد آزادی توده ها را در تمام جهان تحت شعار رسوای ضد کمونیستی که سالیان دراز شمار هیئتلر و موسولینی بوده است انجام میدهند همه جا از «نجات بشریت» سخن میرانند، انجمن ها و مجالس بین المللی تشکیل میدهند ولی در همه جا فحشی و فقر و ویرانی به همراه توپ و مسلسل از برکت آئین تر و من و وقت مارشال نصیب

مشتمل است.

دیپلماتی آمریکا به منظور استقرار تسلط کامل اقتصادی و سیاسی و نظامی در سراسر کینی گاهی با تهدید سیاسی و زمانی با تطبیح بتوان کمک مالی و هنگامی به بهانه دفاع از قاره آمریکا و دفاع از دموکراسی بوسیله ایجاد پایگاههای دریایی و هوایی در کلبه نقاط سوق الجیشی جهان تظاهر می کند و در امور داخلی کشورها آشکارا مداخله مینماید.

ترست های آمریکا میگویند بگمک هیئت های حاکمه ارتجاعی در فرانسه و ایتالیا و یونان و ترکیه و مستعمرات شمال افریقا تسلط خود را در تمام سواحل مدیترانه مستقر سازند. فعالیت آمریکا در انتخابات ایتالیا خود نمونه ای از نقشه های وسیعی است که سرمایه داران و الاستریت برای حکومت خود در اروپای غربی و سواحل مدیترانه تنظیم نموده اند.

خلاصه اینکه دنیا بعد از شکست نظامی فاشیسم در اروپا بین دو جبهه گاه الا متناهی جبهه امپریالیزم و خنده و کراتیک از یک طرف و جبهه ضد امپریالیستی و دموکراتیک از طرف دیگر تقسیم شده است.

در جهان امروز هر حادثه کوچک و بزرگ با قدرت و با ضعف یکی از این دو جبهه بستگی دارد و کلیه مسائل سیاسی و اقتصادی و مبارزات اجتماعی جنبه گاه الا بین المللی پیدا کرده است.

در جهان امروز از طرفی اربابان و الاستریت و سرمایه داران و بانکداران و همه هیئت های حاکمه ارتجاعی با سیاست ضد دموکراتیک خو گرفته و در زیر پرچم امپریالیزم آمریکا مجتمع شده اند حزب سوسیالیست فرانسه تحت رهبری بلومها و حزب کارگر انگلستان تحت رهبری اتلی ها و بوین ها با وجود عنوان قوه سوم از این قاعده مستثنی نبوده و در زیر علم امپریالیزم آمریکا قرار گرفته است.

سیل اسلحه آمریکائی برای خورد کردن توده های چین و یونان و اندونزی و ترکیه سرازیر شده است و بطوریکه در ماه اخیر دیدیم از این اسلحه ملت ستمکش ما هم ازیر گت هیئت خاکه فاسد خود بی بهره نمانده است.

در طرف دیگر جبهه دموکراتیک و ضد امپریالیستی وجود دارد که با شعارهای آزادی توده ها و صلح عمومی و حاکمیت ملت ها بر سر نوشت خود و مبارزه بر ضد استعمار و امپریالیزم و اشکال مختلف فاشیسم متشکل گردیده است.

در جبهه دموکراسی کشور اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای شوروی های شاوری اروپا قرار گرفته اند احزاب دست چپ و نهضت های ضد استعماری و ضد امپریالیستی در سراسر کینی که برای منافع ملی خود در لبرده هستند جزو این جبهه وسیع دموکراسی محسوب میشوند.

بنابراین در شرایط کنونی سیاست بین المللی دو جبهه در مقابل هم قرار گرفته اند یک جبهه بر روی پایه های فرسوده ارتجاعی با بهائی که ترقی ملت ها را سد نموده از توسعه و پیشرفت و استفاده اجتماعی دانش امروزی جلوگیری مینماید و جبهه دیگر که به زندگی نو و دانش نو و اقتصاد نو و توده های انبوه تکیه کرده است.

آئین ترومن که به منظور ایجاد پایگاههای نظامی در شرق مدیترانه و حمایت رژیم های ارتجاعی در یونان و ترکیه بتوان تکیه گاه امپریالیزم آمریکا در خاور مدیترانه بر ضد ممالک دموکراسی جدید شرق اروپا تنظیم شده بود، به علت زانگی ظاهری و جنبه مداخله جویانه غائی آن حتی در معانی سرمایه داری آمریکا تاخیری خوبی نداشته است.

نقشه مارشال بطرز ظاهر فریبی برای تکبیل نظریات تجاوزکارانه ترومن و ترمیم جنبه زندگی نظریات او به بهانه کمک به اروپای معنوی زده طرح گردید.

اساس نقشه مارشال تشکیل اتحادیه ای از کشورهای باختری اروپا بمنظور تهدید کشورهای شاویدی اروپا تحت فرمان اروپایان و ال استریت قرار گرفته است در ماه اخیر بادلالی بوین و بیدو طرح و عملی گردید.

این معاهده با دادن اعتبار مالی از طرف امریکا و صرف نظر کردن از استقلال اقتصادی و سیاسی از طرف کشورهای باختری اروپا صورت گرفته است.

قسمت اعظم کمک مالی نقشه مارشال بمنظور تجدید سازمان صنعتی آلمان غربی و استقرار تسلط ترست ها و انحصارهای امریکائی به صنایع آلمان مصرف خواهد گردید.

امریکا با نقشه مارشال میخواهد آلمان غربی را به بهترین پایگاه امریکائی در اروپا تبدیل نماید.

با وجود خوش رقصی های سوسیالیست های انگلستان و فرانسه، سرمایه داری امریکا بطل وضع اجتماعی و جنبش های مترقی و نطفه های تحول آزاخواهی که در این کشورها موجود است کاملا از سیاست این کشورها راضی نیست. دیپلماسی امریکا کشورهای انگلستان و فرانسه را با وجود تمام خواص ارتجاعی حکومت های آنها هنوز حذیبه که نیست، میندازد.

تقویت نیروی صنعتی آلمان غربی تحت تسلط امریکا نزد زمامداران و ال استریت بعنوان ضامن و پشتیبان و پایگاه واقعی تسلط اقتصادی و سیاسی امریکا در اروپای باختری تلقی میگردد.

این خود تضادی است که در اروپای باختری میان ممالک غربی اروپا از یکطرف و آلمان صنعتی و مجهز از طرف دیگر با اجرای نقشه مارشال باقی خواهد ماند.

تضاد دیگری که اجرای نقشه مارشال در ممالک اروپای باختری در بر دارد صنایع خود این کشورهاست که بایستی مشمول کمک مالی نقشه مارشال شوند.

نقشه مارشال بسیاری از رشته های صنعتی ممالک اروپای باختری را بمنظور حفظ موقعیت اقتصادی و تاخیر بحران داخلی امریکا محسوس و یا حتی در بعضی موارد تعطیل مینماید و از توسعه آزاد قدرت صنعتی این کشورها از ترس رقابت آینده آنها جلوگیری میکند کارخانه های ماشین های هواپیما سازی در فرانسه و کارخانه های کشتی سازی در انگلستان و فیلیپین ها در فرانسه و انگلیس در حدود اجرای نقشه مارشال و بمنظور تسلط دائمی اقتصاد امریکائی به اندازه دیگری تعطیل میشوند و از این راه به ارتش بیکاران در این کشورها افزوده میگردد.

مبارزه سیاسی و اقتصادی میان دو امپریالیزم امریکا و انگلستان که گاهی بشکل بارزی تظاهر میکند تضاد دیگری است که در دنیای سرمایه داری حکم فرما است.

امروز حتی سیاستمداران و زمامداران کنونی کشورهای باختری اروپا به اهمیت این تضادها پی برده اند و از گوشه و کنار نطق های آنها و از لایلهای مطبوعاتی که با نظر سرمایه داران این کشورها اداره میشود عدم رضایت و صدای اعتراض شنیده میشود.

سختگیری ها و اشکال تراشی ها بیکه کنگره و مجانس امریکا هنگام تصویب نقشه مارشال منکی بهمین گونه تضادهائی است که آینده ایگونی را برای سرمایه داران و ال استریت در اروپای باختری نوید میدهد.

برنس وزیر خارجه سابق امریکا که قبل از مارشال زمام امور سیاست خارجه امریکارا در دست داشت در یکی از نطق های اخیر خود صریحا اجرای نقشه مارشال پیچوده دانست و گفت که « این نقشه موقعیت بین المللی ما را حفظ نخواهد نمود ما باید به سیستم دفاعی خود بیشتر توجه کنیم »

والاس وزیر بازرگانی سابق امریکا و معاون روزوات کانديد رياست جمهور آينده در مام تعلق های خود به سياست توسعه طلبی امریکا و نظریات تجاوزکارانه نقشه مارشان حمله مینماید و خطر این قبیل فعالیت ها و اقدامات امپریالیستی را برای صلح جهانی متذکر میگردد کشور ما در چنین دنیایی و در موقعیت خاصی که از هر حیث حساس است قرارداد بدون شناختن وضع کنونی سیاست بین الملل فضاوت در سیاست ایران غیرممکن است و از اینجهت است که گزارش را با تجزیه و تحلیل از اوضاع بین المللی آغاز کرده ایم اینک که اوضاع بین المللی را بطور اختصار شرح داده ایم بوضع مینویسیم و نیز خود ایران در کشاکش این سیاست های بین المللی ، گیروودارها و تضادهایی که جهان بآن گرفتار است مبردازیم .

موقعیت ایران

پایان نخستین جنگ جهانی تغییرات عمده ای در موقعیت سیاسی ایران پدید آورد کشور ما که تا آنزمان هواره تحت تسلط دو کشور امپریالیستی بزرگ روسیه تزاری و امپراتوری انگلستان بود با انقلاب کبیر و ظهور حکومت سوسیالیستی شوروی وضع سیاسی جدیدی پیدا کرد .

حکومت سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی با قرارداد ۱۹۲۱ کلیه امتیازات روسیه تزاری را که حکومت استبدادی روسیه در مدنی بیش از نیم قرن تحصیل نموده بود لغو کرد و با ایران بعنوان يك کشور آزاد و مستقل قرار دادی امضاء نمود این قرار داد با قرارداد دیگری (در ۱۹۲۷ در دوران حکومت رضاشاه بسته شد تکمیل نماید گردید .

کشور اتحاد جماهیر شوروی از ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۱ یعنی نازمان حمله آلمان هیتلری به شوروی عملا از صحنه سیاست ایران خارج بود .

در این فاصله انگلستان که از اجرای عملی قراردادشوم ۱۹۱۹ مایوس شده بود ب فکر اجرای نقشه خود از راه دیگری افتاد و کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ مطابق با فوریه ۱۹۲۵ را بدست سیدضیاء عملی نمود . با این کودتا چنانچه میدانیم مقدمات حکومت استبدادی بیست ساله از هر حیث فراهم شد .

انگلستان که صحنه سیاسی ایران را از حریف سابق خالی دید بوسیله اعمال خود بر اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران مسلط شد . ملولای نکشید که به تحریک انگلستان کشور ایران در حلقه محاصره ای که بد از جنگ اول در طول مرزهای کشور اتحاد جماهیر شوروی در همه جا کشیده شده بود وارد گردید .

وجود يك حکومت سوسیالیستی در شمال ایران و هم مرز بودنش با ایران ، با وجود آنکه این حکومت هنوز خیای نیرومند نبود ، مانع گردید که نقشه های استعماری انگلستان که بوسیله قرارداد ۱۹۱۹ پیش بینی شده بود کاملاً عملی شود و برطبق این قرارداد کشور ایران مانند کشورهای مصر و عراق و غیره عملاً به مملکتی تحت الحمايه و مستمره مبدل گردد .

در نیم رضاشاه در آغاز کار خود را بظاهر طرفدار افکار مترقی نشان داد و قیافه ملی بخود گرفت و از همین جهت در رسیدن بقدرت باشکالات عمده ای رو برو نشد در این دوره انگلستان تنها عامل تعیین کننده سیاست خارجی در شرق محسوب میگردد و پیشروی حکومت رضاشاه را از هر نظر نباید مینمود و تمام اعمال قسیمی خود را که رجحان سیاسی ایران بشمار بودند بتأیید از حکومت رضاشاه و بسط و نفوذ وقدرت او واداشت .

رضاشاه که در داخله کشور بقدرت نظامی و دارودسته اعمال استعماری انگلستان متکی بود در صحنه سیاست بین المللی از قدرت و نفوذ سیاسی انگلستان استفاده نمود و کلیه مقاومت های داخلی را با کوشش مخفیگری از بین برد و در عرص چند سال به يك دیکتاتور

فاعل مایشاء در کشور ایران تبدیل گردید.

استمرار رژیم استبدادی در ایران از جمله نقشه هائی بود که ارتجاع بین‌المللی برای کلبه ممالک، همچوار اتحاد جماهیر شوروی طرح نموده بود. این نقشه در ایران بدست رضاخان عملی گردید.

تمام آثار دموکراسی در رژیم رضاشاه از بین رفت؛ احزاب و دسته‌های مترقی یکی پس از دیگری تعطیل شد شهرستانی مختاری مظهر کامل اصول استبدادی دوره رضاشاه باشقاوت و مساوت خاصی هر نهضتی را خنثی میکرد و عاملین هر جنبش مترقی را بسازجر و حبس و تبعید و در مواردی حتی با اعدام جواب میداد.

این اعمال آزادبیکش و فشارهای دیگری که بصورت تجاوز به مال و جان و ناموس مردم وارد میشد موجبات عدم رضایت عمومی و خشم و غضب ملت ایران را نسبت بدستگاه حاکمه و مقدمات زوال دیکتاتوری را مهتما پیش از سوم شهریور ۱۳۲۰ فراهم کرد.

رژیم رضاشاه با وجود ماهیت ارتجاعی خود و دشمنی شدید با کلبه افکار مترقی خواهان، بمنظور تمرکز قدرت در دست خویش مجبور شد با قدرت و نفوذ فتووال‌ها و خان‌ها و روحانی نمایان مبارزه نماید و توانست از قدرت آنان تا اندازه‌ای بکاهد.

وارد شدن کارخانه‌ها و ازدیاد کارگران فنی رشد و توسعه طبقه کارگر و تمرکز قدرت و ایجاد راه آهن و برداشتن حجاب و تشکیل دانشگاه از اقداماتی بود که با وجود رژیم استبدادی رضاشاه در ایران صورت گرفت و بطریق دیگری نتیجه‌های تضاد دستگاه استبدادی رضاشاه را در خود پروراند.

رضاشاه در سالهای آخر سلطنت خویش روابط اقتصادی و سیاسی حسنه‌ای با آلمان هیناری برقرار نمود امتیازات مخصوصی برای توسعه تجارت با آلمان نازی قائل گردید و بازارهای کشور را از کالاهای ساخت آلمان لبریز گردید.

کارخانه‌های و موسسات ساختمانی و بازرگانی با متخصصین و مهندسان و مشاورین آلمانی تجهیز شد.

مسافرت فن شیراخ رئیس جوانان هیناری با ایران و پذیرائی گرمی که از این سردسته نازی انجام گرفت و مسافرت دکتر شاخت معروف رئیس بانک و مامور تنظیم امور اقتصادی آلمان با ایران هم از لحاظ اقتصادی و هم از نظر سیاسی موقعیت مخصوصی برای آلمان نازی در ایران ایجاد کرد. پس از آغاز جنگ جهانی اخیر تیرگی فکری و سیاسی روابط سیاسی ایران با کشور اتحاد جماهیر شوروی و لزوم همکاری جنگی انگلستان و شوروی اوضاع سیاسی ایران را که تا آن موقع بر اساس اختلاف شوروی و انگلستان بنا نهاده شده بود بکلی تغییر داد و از این پس دیگر امکان نداشت رضاشاه عامل تیرگی روابط سیاسی ایران با اتحاد جماهیر شوروی شناخته شده بود در اس دستگاه حاکمه ایران باقی ماند باین ترتیب هم از لحاظ ناخرسندی اکثریت نزدیک بنام ملت ایران و هم بدلت رشد قوای کارگران و روشنفکران مترقی و مخصوصا از نسف سیاست بین‌المللی مقدمات سوم شهریور فراهم شد و منجر به ورود قوای منفقین با ایران و سقوط رضاشاه گردید. دستگاه پویشالی که بزور سر نیزه بسایندار بود در عرض چند ساعت از هم پاشیده شد ملت ایران با وجود اینکه قوای خارجی وارد کشور شده بودند از فرار شاه و واژگون شدن اساس ظلم و استبداد پرضا شاهی سرور بود و چنین بنظر میرسد که دستگاه جبروتی شاه سابق با کلبه اعوان و انصار او برای همیشه از صحنه سیاست و از جرگه هیئت حاکمه ایران محو گردیده است.

تذکر این مقدمات برای ما که در شرایط کنونی ایران شاهد اوضاع و احوال خاصی

هستم بسیار ضروری است.

مخصوصاً از این جهت که اطرافیان و بازماندگان دستگاہ بیست ساله، که یکبار بطور رسمی و علنی در پیشگاه ملت ایران محکوم شده اند، اکنون کوشش میکنند با استفاده از مرور زمان، با کمک امیرالاستهای نازدهنفس مجدداً بساط دوره قلدری و اسارت ملت ایران را بکسرا کنند و آقائی و فرمانروائی خود را با طرز شدیدتری دوباره مسخر سازند.

با این مقدمه دوران جدید تاریخ ایران در جنگ بین الملل دوم با ورود قوای متفقین بکشور ما و استعفاء شاه سابق و در هم ریختن دستگاہ رضا شاهی آغاز گردید.

حزب توده ایران که محدود و تنجیه کلیه مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری دوره بیست ساله است، با استفاده از تضادهائی که رژیم رضا شاهی موجود آورد، تشکیل گردید و پایبندی تاریخ معاصر ایران پیش رفت. دوران شش سال اخیر ایران در حقیقت نوام باناریخ مبارزه است که حزب توده ایران در پیشانی اکثریت مظلوم ایران بکمک کلیه آزادیخواهان و اسزاد و دستجات مترقی دیگر، برای واژگرن سامنن اسولی که دوره بیست ساله در کلیه شئون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مسخر کرده بود انجام داد.

تاریخ معاصر ایران تاریخ کوششی است که ملت ایران بمنظور احیاء قانون اساسی و انجام اصلاحات و هم آهنگ شدن کشور ما با انبیاى آزاد و مترقی از خود نشان است.

بطوریکه دیدیم جنگ بین الملل دوم در وضع سیاسی ایران تغییرات مهمی ایجاد کرد و در سیاست شوروی در صحنه سیاسی جهان، سیاست توسعه طلبی امریکا و ورود قوای این کشور بایران با وجود خروج عمال ستون پنجم آلمان و استعفاء رضا شاه موقهت سیاسی انگلستان را که مدت زمانى بمنوان تنها قدرت سیاسی در ایران تظاهر میکرد متزلزل گردانید.

ملت ایران که در دوره بیست ساله در لاج تراوان برده بود عامل و ترا ایجاد دوره استبداد بیست ساله را سیاست استعماری انگلستان میدانست نفرو انزجار شدیدی نسبت به انگلستان و ایران داشت. در روزهای اول ورود قوای نظامی متفقین در ایران، اردن وزیر خارجه انگلستان در مجلس انگلیس راجع به ایران اظهار داشت که بیست سال رژیم رضا شاهی به ایران تحمیل نمودیم و موجبات نفرت و انزجار نسل حاضر را نسبت به سیاست انگلستان فراهم کردیم و در ضمن همین نطق وعده داد که در آینده انگلستان در سیاست خود نسبت بایران تجدیدنظر خواهد کرد.

این وعده مانند وعده های دیگر استعمار بی نتیجه ماند در سیاست انگلستان که در تمام مدت جنگ و بعد از پایان آن با وجود تغییر حکومت محافظه کار و روی کار آمدن دولت کارگری هیچگونه تغییری دیده نشد، روش استعماری سابق که امکان تعقیب گردید. سیاست انگلستان با دفاع از عمال سابق خود و اعزام عمال کهنه کاری از قبیل سیدضیاء و لویه بایران شواست حیثیت از دسترفته سیاسی خود را بدست آورد و نفوذ سابق خود را مجدداً مستقر سازد.

باشکست حزب محافظه کار و بر سر کار آمدن حکومت جدید در انگلستان حدس زده میشد در سیاست استعماری و انزجانی انگلستان در باره ایران تجدید نظر شود.

آزادیخواهان ایران که از سیاست خارجی انگلستان ضرر و زیان فراوان دیده بودند از شکست حزب محافظه کار و بر سر کار آمدن حزب کارگری اظهار شادی کردند از تمام سخنراپیها و مقالاتی که در مطبوعات ما در این باره منتشر شده است تاگراف تبریک کبینه مرکزی حزب را که به دبیرخانه حزب کارگر بنامست فتح انتخاباتی این حزب مضایقه شده است با اطلاع رفقای کنگره میرسانیم.

لندن - دبیرخانه حزب کارگر انگلستان - حزب توده ایران که نماینده صدها هزار کارگر و دهقان و روشنفکر ایران است بیروزی درخشان حزب کارگر انگلستان و شکست فاحش ارتجاع در جزائر بریتانیای کبیر را به حزب شما و بوسیله شما بتکلیف کارگران و زحمتکشان انگلستان تهنیت میگوید. امیدواریم با کمک حزب شما و اتفاق کلیه احزاب ترقیخواه گیتی به نایب حقیقی خود که عبارت از تهیه آزادی و نان و کار برای همه است برسد.

ملت ایران که صیانه خواهان دوستی ملت انگلستان بر اساس تساوی و احترام متقابل است و سالیان دراز در نتیجه سیاست مستعمراتی زمامداران و مامورین ارتجاعی انگلیس، گرفتار فشار و ظلم غارتگران و مرتجعین داخلی است که به استظهار سیاست مزبور اصول دیکتاتوری و فساد را در کشور ایران مستفرداشته و اکنون نیز بهمان رویه پیشین خود ادامه میدهند انتقار دارد در این هنگام که حزب کارگر زمام امور انگلستان را در نتیجه آراء زحمتکشان آن کشور بدست گرفته است بر طبق اصول و مبانی عقیده خود رویه ای که موجب تقویت دموکراسی و آزادی در کشور ایران و برانداختن ارتجاع داخلی و سیستم فاشیسم فئودالی است اتخاذ نماید. کینه مرکزی حزب توده ایران

بطوریکه ملاحظه مینمائید برخلاف نظر کسانی که ما را به تعقیب سیاست بکجانیه متهم میکنند، حزب ما از حزب کارگر انگلستان که حکومت را بدست گرفته بود تقاضای مساعدت در برانداختن ارتجاع داخلی و سیستم فاشیسم فئودال نمود متأسفانه همه این انتقارات و امیدواریها در باره تغییر سیاست استعماری انگلستان بیهوده بود؛ بطوریکه دیدیم و میبینیم انلی و یون با فریب دادن آراء و افکار طبقات زحمتکش انگلستان عینا همان سیاست ارتجاعی جرجیل و این را در ایران و در کلیه ممالک خاورمیانه و در سیاست عمومی جهان تعقیب نمودند و بارها جرجیل و این در مجلس انگلستان سیاست خسارچی کاینه کارگری را ستودند چاقو کشان و دزدان و غارتگرانی بدست عمال استعمار انگلستان در ایران مسلح شدند و در شرق و غرب ایران به نهب و غارت پرداختند.

حوادث مازندران و اصفهان و شیراز و خوزستان کاملاً نظریات ما را تأیید کرد. این نظریات غالباً در مطبوعات ایران منعکس شده است. هر ناظر بی طرفی تحریکات عمال انگلستان را بر علیه آزادی و دموکراسی ملت ایران تصدیق مینماید.

انگلستان در چند سال اخیر مخصوصاً پس از بروز حوادث آذربایجان سعی نمود که وضعی شبیه بوضع ۱۹۰۷ در ایران بوجود آورد پیشنهاد حکومت فدراتیو و تفهیم ایران به پنج منطفه و پیشنهاد کمیسیون نظارت سه دولت بزرگ در ایران از تشبیهاتی است که انگلستان بطور آزادی و استقلال ایران نموده است.

دولت اتحاد جماهیر شوروی مداخانه انگلستان را در حل روابط خود با ایران در هیچ موردی نپذیرفت. آقای دکتر مصدق در مجلس چهاردهم از دولت اتحاد جماهیر شوروی راجع به عدم قبول پیشنهاد اعزام کمیسیون نظارت با ایران که مورد موافقت دولت حکیمی واقع شده بود تشکر کرد.

سیدضیاءالدین دوست قدیمی انگلستان در تبلیغات خود برفع نیرگی مناسبات شوروی با ایران تقاضا میکند و سیاست خود را برای نزدیک ساختن انگلستان و شوروی در ایران مفید جلوه میدهد.

قوام الساطنه که روابط نزدیکی با سیاست امریکا داشته و دارد و خود را طرفدار

هم آهنگی سیاست امریکا و شوروی مرفی میکند و مأموریت دارد که از راه دیپلماسی سیاست شوروی را خنثی و تسلط سیاست امریکا را در ایران برقرار سازد.

انگلستان برای تجدید استیلای سیاست استعماری خود و تحت‌الشعاع قرار دادن امریکا میخواهد با مانورهای دیپلماسی شوروی را ساکت نگه‌دارد ولی عملاً سیاست انگلستان در ایران مانند سیاست این کشور در ترکیه و یونان نقش درجه دوم را بازی میکند. گرچه امپریالیزم انگلستان ما دور کردن قوام از راس دولت ایران موقوفیت هائی نسبی چندی در عرض چندماه اخیر در صحنه سیاسی ایران پیدا کرده است ولی با این وجود نتوانسته است موقوفیت محکمی بدست آورد. حلات شدیدی از طرف عمال انگلستان اخیراً به دربار ایران که توجه بیشتری به امریکا نشان میدهد آغاز شده است.

امپریالیزم انگلستان در عین اینکه در همه جا با اتحاد جماهیر شوروی و با آزادی و دموکراسی در ستیز است گاهی مخفی و زمانی آشکار با نفوق سیاسی امریکا در صحنه سیاست خاور میانه از لحاظ منافع امپریالیستی خود مبارزه مینماید. ولی در شریب‌های بنام «از چپ برائیم»، نمایندگان جناح چپ حزب کارگر انگلستان ادعا میکنند که گویا حاضر نشدن شوروی به همکاری با انگلستان باعث گردید که دو کشور امپریالیست انگلستان و امریکا در خاورمیانه و در تمام جهان جبهه واحدی برضد شوروی تشکیل دهند.

با وجود سیاست خصمانه مشترکی که امریکا و انگلستان نسبت به اتحاد جماهیر شوروی در صحنه سیاست بین‌المللی و از آن جمله در ایران اتخاذ کرده‌اند، اختلاف منافع دو امپریالیزم از بین نرفته و کماکان تضاد ما بین آن دو از لحاظ تسلط سیاسی بکشور هائی مانند ایران بشکل بارزی وجود دارد و اختلافاتی که امروز در هیئت‌ها که ایران مشاهده میکنیم انعکاسی از این مبارزه مابین آن دو امپریالیسم است. هر دو آنها به قلع و قمع آزادی و از بین بردن آثار دموکراسی و وارد کردن ایران در زنجیر محاصره ضد شوروی علاقمندند اختلاف برائست که کدام يك از این دو امپریالیست بر شانه‌های ناتوان ملت ایران سوار شود و آقائی خود را پیش از رقیب امپریالیست خود بر کشور ما مستولی نماید.

انگلستان و امریکا هر يك دست‌ای از هیئت‌ها که فاسد ما را اسپر کرده‌اند سیاست هر دوی آنها امپریالیستی، سیاست ارتجاعی، سیاست تضعیف‌کننده آزادی و دموکراسی در ایران، سیاست کهنه استعمارطلبی، سیاست ادامه فقر و جهل و بدبختی ملت ایران است.

امریکا با سیاست توسعه‌طلبی خود، با استفاده از موقوفیت خاص ایران و نفرت مردم نسبت به سیاست کهنه انگلستان و ضعف اقتصادی و سیاسی این کشور در دنیا، در ایران مانند بسیاری از کشورهای خاورمیانه و کشورهای اروپای باختری رخنه کرده است.

در زمان جنگ قشون امریکا بدون هیچ قرار دادی به عنوان «مهمان انگلستان» وارد خاک ایران شد.

هنگام خروج، این قشون يك مشت آهن آلات خود را بدولت ایران در مقابل بازده میلیون دلار از موجودی ناچیز ارزی ایران، بدون تصویب مجلس شورا معامله کرد. امریکا در موقع خروج قشون خود مقدار زیادی از آلات و وسائل نقلیه درره جنگ خود را به تجار ایرانی دره قابل میلیون‌ها دلار فروخت.

سیل کالاهای امریکا با کمک مبلبو و همکاران او به بازار ایران سرازیر شد و طولی نکشید که امریکا بازار ایران را تقریباً بامنه خود منحصر نمود.

انگلستان در مقابل نفرت و اترتجار ملت ایران و توسعه قدرت دموکراسی در این کشور بالاخره در برابر پیداری و هشاری روز افزون اکثریت ملت ایران بارها مجبور شد در صحنه سیاسی ایران بقب نشینی هائی

دست زدند و برای مبارزه با نفوذ دموکراسی در کشور ما مبارزه با سیاست اتحاد جماهیر شوروی، امپریالیزم امریکا را وارد میدان کند. امپریالیزم امریکا با استفاده از موهبت های مزبور، با عقب زدن انگلستان و تبعیض یک دسته از هیت ها که، خود را چنانچه سیاست ارتجاعی و استعماری انگلستان معرفی نمود.

مداخله رسمی و علنی امریکا در سیاست ایران و روش آزادی کش این سیاست با اقدامات آن سفیر کبیر امریکا و برانگیختن قوام بر ضد آزادیخواهان و نفوذ دموکراتیک ایران آغاز میگردد.

هانری والاس نماینده کنگرس، کالدید ریاست جمهور و رئیس حزب ترقیخواهان امریکا در نطق اخیر خود درباره سیاست مداخله جویانه امریکا در امور ایران میگوید که «من از این دروغ شرم آور آلن که گفته است امریکا مخالف مداخله در امور داخلی ایران است خجالت میکشم»

در جای دیگر این نطق والاس اضافه میکند که «آلن بجای توجه بوضع وقت بار دهقانان ایران، کمک امریکا بمنظور بالا بردن سطح زندگی آنان ده میلیون دلار بعنوان کمک جنگی بدولت ایران داد تا طبقه حاکمه ایران را بر ضد آزادیخواهان و توده مردم ایران تقویت و مسلح کند»

این همان سلاحی است که قطارهای راه آهن از مدتی مشغول حمل آنند و از جیب فقیر ملتی که به همه چیز جز به اسلحه احتیاج دارد برداشته میشود.

هانری والاس در جای دیگر نطق خود میگوید «بدست یاری دو مامور امریکایی آلن و شواریسکیف بزرگترین حزب ترقیخواه ایران تحت فشار و تشویقات نامعتمد قرار گرفت اتحادیه های کارگری ایران مورد تهاجم واقع شد و مراکز آنها تارومار گردیدند، سران نفوذ آزادی ایران مورد تعقیب قرار گرفتند، بعضی زندانی و برخی تبعید شدند، دسته دسته از مبارزین آزادی ایران تیرباران شده اند، هزارها نفر از آنان به نسلط دور دست کشور تبعید و آواره گردیده اند»

والاس شرم دارد که بگوید «نیروهای نامبینه ایران در عملیات خود بر ضد ملت ایران تحت فرماندهی شواریسکیف سرتیپ امریکایی قرارداد»

روزنامه های ارتجاعی ایران سعی دارند با تکذیب های دروغین و اتهامات شرم آور دیگر از اهمیت نطق والاس، کسیکه در راس بزرگترین اردوی دموکراسی در امریکا قرار دارد و در انتخابات گذشته ریاست جمهوری امریکا در سال ۱۹۴۰ بیش از بیست میلیون رای داشته است بکاهند.

روزنامه های ارتجاعی ایران و در راس آنها بلنده گوی قدسی ارتجاع روزنامه اطلاعات تبعید میکنند که چنین صدائی از امریکاهم شنیده میشود. از امریکای ادبایان امریکای امپریالیست انتظار چنین نطق هایی را ندارند. گویا مناسف اند که چرا از مامداران، امریکا و والاس را به یک بندر عباس یا جزیره قشم تبعید نمیکنند!

آلن بانام قوا و بکمک هیت ها که ایران بر ضد کلیه آزادیهای فردی و اجتماعی مبارزه کرد. در تاریخ ایران مداخله یک کشور خارجی در امور ایران تا این درجه بی سابقه است نطق ها و اعلامیه های که آلن سفیر امریکا در ایران در مورد آذربایجان و نفت و حکومت قوام منتشر کرده است با وجود دروغ های شرم آور آن کوبانترین اسناد مداخله امریکا در سیاست ایران است.

فرار داد نظامی ۱۶ اکتبر ۱۹۴۷ که با مضاء جم بهنوان وزیر جنگ ایران و آن سفیر کبیر

امریکا که اخیرا با وجود سیاست استوار و خنده آمیز دولت های ایران در مطبوعات کشور ما منتشر شده، سندی است حاکی از آن که شخصی بنام جم و بهمنوان وزیر جنگ ایران اسارت ملت ایران را امضاء نموده و بوسیله این سند انگین کلیه شئون ارتش ما را تحت نظر ژنرال کروو میسون امریکائی قرارداد کرده است.

هانری والاس درباره این قرارداد چنین میگوید: «تمام جریبان این موافقتنامه از افکار عمومی امریکا و دنیا مستور نگه داشته شد و نه تنها متن آن در روزنامه های امریکا منتشر نگردید، بلکه به کنگره امریکا نیز تسلیم نشد» والاس تأیید میکند که بوجوب این قرارداد مستشاران امریکا در کلیه شئون ارتش ایران دخالت مستقیم داشته و بر کلیه فرماندهان و افسران ایرانی رجحان و امتیاز دارند. بوجوب این قرارداد ارتش ایران کاملا تابع فرماندهان و افسران نظامی امریکا است. افسران امریکائی بهر نقطه ایران که مایل باشند میتوانند مسافرت کنند و بهر یک از اسرار ارتش ایران که بخواهند میتوانند واقف شوند.

بیانات هانری والاس بهترین سند محکومیت هیئت حاکمه ایران است. این هیئت حاکمه ایران است که از ترس ملت به زورمندترین کشور امپریالیستی جهان یعنی امریکا پناه میبرد و بامداخله دادن دیگران سندیست که ورقیت ملت ایران را امضاء میکند و پایه های آزادی و استقلال ملت و کشور ما را متزلزل میسازد.

آیا با تقویت چنین روشی از جانب هیئت حاکمه ایران و مداخلات علنی امپریالیزم امریکا که در شرایط کنونی سیاست جهان در راس نیروهای ضد شوروی قرار گرفته است میتوان با کشور بزرگ و نیرومند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که دو هزار و هفتصد کیلومتر با ما مرز مشترک دارد روابط دوستانه داشت؟ آیا اقدامات مداخله جویانه امریکا در امور ایران و سیاست بنده وار هیئت حاکمه ایران میتواند موجب عدم رضایت زمامداران شوروی قرار نگیرد؟ شوروی با تجربیات تلخ دوره بیست ساله و مشاهده سیاست یکجانبه هیئت حاکمه ایران در سالهای اخیر از روش سیاسی ایران نگران است.

استخدام میسیون نظامی امریکا، اختیاراتی که این میسیون طبق قرارداد ۶ اکتوبر تحصیل کرده، رفت و آمدهاییکه افسران امریکائی در تمام ایران مخصوصا در نواحی مرزی شمال مینمایند، بالاخره سیل اسلحه ایکه بجناب ایران جاری شده است موجب نگرانی شدید زمامداران اتحاد جماهیر شوروی را فراهم نموده است.

اتحاد جماهیر شوروی مایل نیست که ایران به یک پایگاه ضد شوروی تبدیل گردد. و میخواهد که در مجاورت کشور آزاده - تملودموکرات وجود داشته باشد این دو امر چگونه نظر ارضی با ایران ندارد سیاستش نسبت به ایران مانند سیاستی است که نسبت به تمام کشورهای تقویت می نماید اتحاد شوروی از هر تهدید ترفی خواهی خشنود است چه این تهدید در امریکای جنوبی چه در اندونزی و چه در ایران بوجود آید.

هیئت حاکمه ایران از سیاست آزادیخواهانه اتحاد شوروی هراسناک است. اگر این دولت مانند روسیه تزاری سیاست امپریالیستی داشت هیئت حاکمه ما مانند هیئت حاکمه دوره قاجاریه حلقه بندگی و اطاعت او را بگردن میگرفت و مانند اسلاف خود در مورد روسیه تزاری با هر گونه امتیاز استقلال شکنی موافقت میکرد.

هیئت-حاکمه ایران برای حفظ موقعیت خود محتاج به پشتیبانی است که از کلبه غارنگری‌ها و آزادبکشی‌هایش در مقابل ملت رنج‌دیده ایران حمایت نماید.

هیئت حاکمه ایران میدانند که زمامداران کشور شوروی چنین حمایتی را از وی نخواهد کرد و الا همانطور که ده‌ها سال از سیاست استعماری انگلستان و سالهای اخیر از سیاست امپریالیستی امریکا و انگلیس متابعت کرده است از سیاست شوروی اطاعت میکرد.

اگر شوروی نظر ارضی بایران داشت و میخواست به آزادی و استقلال و تمامیت ارضی ایران تجاوز نماید، برای زمامداران آن بسیار آسان بود که بجای جلب موافقت هیئت-حاکمه پیشنهادی اربابان این هیئت حاکمه یعنی امریکا و انگلستان را می‌پذیرفتند ولی دولت شوروی با وجود تشبیهات متعدد زمامداران انگلیس و امریکا بر ضد منافع و مصالح ملی ما اقدامی ننکرده و از این پس نیز، بسبب سیاست ضد امپریالیستی و دموکراتیک خود از هرگونه سازش با امپریالیستهای امریکا و انگلستان، بضرر ایران بهره‌بر خواهد کرد.

اینهاد لائلی است که آزاد بخوانان ایران و حزب توده ایران بدوستی اتحاد جماهیر شوروی درست بشنود حفظ آزادی و استقلال ایران و جلوگیری از هرگونه تجاوزی از طرف امپریالیستهای امریکا و انگلستان علاقه‌مندند.

خطرناکترین راه برای آزادی و استقلال کشور ما راهی است که هیئت حاکمه ایران با اتخاذ سیاست یکجانبه اختیار کرده است.

همین سیاست خطرناک است که ایران را به يك میدان تحریک ضد شوروی تبدیل میکند. همین سیاست خطرناک هیئت حاکمه ایران است که مانع هرگونه اصلاحاتی در ایران شده و همین مانع از آنست که کشور تحت الحمایه و تحت نفوذ تبدیل کرده و موجدات و فقر و گرسنگی و بیماری ملت ایران را برای همیشه فراهم نموده است.

بیکوتترین شیوه سیاسی برای ایران سیاستی است که بر اساس دفاع از منافع ملت و حفظ روابط دوستی شرافتمندانه با همسایگان و کلبه کشورهای صلحدوست جهان استوار باشد. موقعیت حساس کشور ما ایجاب میکند که از هرگونه تحریکات امپریالیستی که منجر به تبدیل ایران به يك پایگاه نظامی ضد شوروی و تسخیر بازارهای ایران و تسلط بر کلیه شؤون سیاسی و اقتصادی میهن ما گردد، احتراز نماییم. از این رو است که حزب توده ایران از روزهای نخست فعالیت خود شمار مبارزه با هرگونه استعمار کشور ایران را اتخاذ کرده است.

حزب ما

نخستین کنگره حزب ما در دهم مرداد ۱۳۲۳ با شرکت ۱۶۸ نفر نماینده تهران و شهرستان‌ها تشکیل شد و در تاریخ ۱۴ مرداد بکارهای خود خاتمه داد.

حزب ما پس از سه سال فعالیت با تشکیل نخستین کنگره خود پایه و اساس تشکیلات مستحکمی را که با مقتضیات وقت و احتیاجات آنروز ما کاملاً وفق میداد بنا نهاد و مبانی ایدئولوژیک حزب را ضمن تصویب مرام نامه و نظام نامه و دستور قطع نامه عالی تدوین کرد و بازدهی را بعنوان اعضای کمیته مرکزی و نه‌را نفر بعنوان اعضای کمیته تفهیش کل برای اداره و هدایت حزب انتخاب کرد.

از مرداد ۱۳۲۳ تا فروردین ۲۷ سه سال و هشت ماه میگذرد در این مدت کشور ما

صحنه حوادث فراوانی بوده است. در این فاصله حزب ما فراز و نشیب‌هایی را طی نموده و جبهه دموکراسی در ایران گاهی به پیشرفت‌های مهمی نائل گردید و زمانی در تحت فشار ارتجاع و استعمار و امپریالیزم مجبور به عقب‌نشینی‌هایی شد.

در گزارشی که برض رفقای نماینده کنکره میرسد بیشتر به خط مشی عمومی که حزب ما در جریان حوادث داخلی و خارجی اختیار کرده و در ضمن فعالیت‌های وسیع خود طی نموده است می‌پردازیم، و از بحث در جزئیات صرف نظر میکنم و اطلاع از جزئیات امور تشکیلاتی و تبلیغاتی و مسأله را به گزارش‌های مفصلتری که بمنظور وقت و مطالعه بیشتر و صدور قطع‌نامه‌های لازم تهیه شده است و در اختیار کمیسیون‌های مربوطه قرار خواهد گرفت مهول مینمائیم:

از نخستین کنکره حزب تا امروز ملت ایران با بازده کاینه، با رنگ‌های کم و بیش متفاوت که ماهیت آنها در حقیقت یکسان بوده سروکار داشته است.

اگر وضع کشور را از لحاظ داخلی و خارجی با وضعی که مدتی نزدیک به چهار سال قبل داشته است مقایسه کنیم، ملاحظه میشود که هیئت حاکمه ایران کوچکترین قدمی در راه اصلاح و بهبود وضع عمومی برنداشته، کماکان در دستگاه سرراه با فاسد خود مستغرق است و در این دوره از تاریخ ایران مانند مراحل پیشین سرگرم غارتگری‌ها و آزادبکشی‌های خود بوده و زندگی را برای مردم ایران با تحمیل بودجه‌های سنگین که در عرض چهار سال اخیر تقریباً دو برابر شده دشوارتر نموده است.

در این مرحله از تاریخ هیئت حاکمه از ترس تقاضاهای آزادیخواهان ملت و جنبش مترقی که در سراسر ایران توسعه مییافت، بمنظور دریافت کمک بیشتر و حفظ مواهبت متزلزل خود امپریالیست‌های خارجی را پیش از پیش در سیاست ایران دخالت داد و کشور ما را بشکل یارزتری به صحنه تحریک‌های امپریالیستی و ضد دموکراسی تبدیل نمود.

هیئت حاکمه ایران در این مرحله از تاریخ ایران سعی نمود آزادی‌هایی که ملت ما در نتیجه جنگ دوم جهانی و فرار شاه سابق و شکست نظامی فاشیسم تحصیل نموده بود یکی پس از دیگری از دست ملت بریاید. ارتجاع بکلی امپریالیسم برای معو آزادی و دموکراسی از هیچ اقدام ضدملی و ضد آزادی فروگذار نکرد.

در این مرحله از تاریخ ایران حزب ما بانکاء اصول سیاسی و قدرت توده‌ای خود، بچکاء از مبارزه بر ضد ارتجاع و دیکتاتوری که مانند امروز همیشه ما را تهدید میکرده است غفلت ننمود در راه استیقام مبانی آزادی و دموکراسی و هشباری عمومی و متشکل کردن توده‌های وسیع کارگر و دهقان و روشنفکر و پیشه‌ور از هیچگونه فداکاری دریغ نکرد. حزب ما در راه بهبود وضع عمومی کارگران و دهقانان که اکثریت تام ملت ایران را تشکیل میدهند کوشش فراوانی نمود و برای اولین بار در تاریخ ایران تقاضاهای حق کارگران و دهقانان و روشنفکران و پیشه‌وران ایران را در ضمن شمارهای زنده خود از پشت تریبون مجلس و دولت و بوسیله مطبوعات وسیع خود بگوش هیئت حاکمه ایران و تمام جهان رسانید. حزب ما در موارد متعدد بزور و قدرت توده‌ای خود توانست هیئت حاکمه را مجبور به قبول بارهای از تقاضاهای کارگران و دهقانان و روشنفکران نماید.

حزب ما از آغاز فعالیت خود همیشه در مبارزه بر ضد استعمار و نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیست‌های خارجی در صفا اول مبارزه ملت ایران قرار داشته. حزب توده ایران مردم مین ما را از نقش‌های شوم امپریالیسم در ایران و نقش‌های آزادی‌بکشی و ضد میهنی هیئت حاکمه

اینکه به بندگی امیرالپسم کمر بسته است آگاه نموده. اکثریت زحمتکشان ایران را بنظور ریشه کن کردن اصول ارتجاعی و تموذ امیرالیستی مشکل کرد.

حزب ما بنظور مبارزه با اصول کهنه قرون وسطائی که بر کلیه شئون اجتماعی و اقتصادی ملت ایران تسلط دارد، صرف نظر از کارگران و دهقانان و روشنفکران و پیشه‌وران، زنان و جوانان را که تا پیش از فعالیت حزب ما نقش مهمی در مبارزات اجتماعی بازی نمی‌کردند در مبارزات اجتماعی شرکت داد و از این راه قدم مهمی در نشر نمودن پیکار اکثریت ملت ایران و ریشه‌دار نمودن ایدئولوژی نو ده‌ای در ایران برداشته است.

حزب ما در تقویت سایر احزاب آزادیخواه و گروه‌های مترقی و اتحادیه‌های کارگری منتهای کمک و مساعدت را مبذول داشته و همواره سعی نموده است که جبهه متحدی از کلیه احزاب و سازمانهای مترقی ایران بنظور ریشه مبارزه قطعی با ارتجاع و استثمار و ریشه کن کردن دیکتاتوری تشکیل دهد.

بظوریکه گفته شد در این گزارش به‌واردی از فعالیت‌های حزبی که اهمیت بیشتری دارد و یا بیشتر مورد بحث و انتقاد و تفسیر قرار گرفته است می‌پردازیم و از این نظر توجه رفقای نماینده را به‌وارد چهارگانه زیر:

۱- فراکسیون حزب در مجلس،

۲- مسئله آذربایجان،

۳- شرکت حزب در دولت،

۴- تشکیل هیئت اجرائیه و فعالیت او،

که مسائل اساسی محسوب میشود و تاثیر مهمی در تحولات گوناگون کشور ما و حزب ما داشته است جلب مینمایم و اینک در ماه هر یک از این موارد شرح میدهم.

۱- فراکسیون حزب در مجلس

فراکسیون پارلمانی حزب بوده ایران که از هشت نماینده دوره چهاردهم مجلس شورای ملی تشکیل میشود در نوع خود در تاریخ مشروطیت ایران بی نظیر بوده است.

اینک خصوصیات آن از این فراکسیون پارلمانی:

۱- انضباط حزبی در فراکسیون ما در تمام دوره مجلس بین نمایندگان حکمفرما بوده، کلیه مسائل مهم قبلاً بوسیله نمایندگان در کمیته مرکزی حزب مطرح میشد و تصویبات مقتضی پس از دقت کامل اتخاذ میگردد.

قبل از هر جلسه مهم مجلس، جلسه فراکسیون پارلمانی ما تشکیل میگردد و دستور مجلس مورد توجه قرار میگرفت و اعضای برای اجرای تصویبات فراکسیون تعیین میشدند. در موارد خاصی حتی در جلسه علنی بدون بحث طولانی با تکیه اصول حزبی تصمیمی بطوریت گرفته و اجرا میشد.

۲- وحدت نظر از منتهیات دیگر فراکسیون حزب مادر مجلس بوده است این وحدت نظر به فراکسیون ما قدرت فوق‌العاده‌ای بخشیده بود.

با وجود آنکه نمایندگان ما در مجلس در آغاز فعالیت پارلمانی خود دارای تجربیات پارلمانی نبوده‌اند ولی در اندک مدتی تجربیات نسبتاً کاملی در این زمینه بدست آوردند. نظریات اکثریت نمایندگان در مجلس هر روز به‌نحوی ظاهر میگردد و عموماً بروی بندوبست‌های خصوصی موافقت‌ها و مخالفت‌هایی انجام میگرفت ولی نمایندگان ما همیشه يك

روش و يك هدف كه روش و هدف حزب ما بود تعقيب ميگردند.

۳- فراكسيون پارلماني ما زبان حال و مظهر اراده اكثریت مظلوم ملت ايران در مجلس بشمار ميرفت و از آن رو كه اين فراكسيون در تمام فعاليت هاي خود از منافع اكثریت ملت ايران و از آزادي هاي فردی و اجتماعي و از استقلال و حاکمیت ملی دفاع ميکرد عاولي نكشيد كه فراكسيون پارلماني ما منعكس كننده تفاضهاي اكثریت نژديك بتمام ملت ايران در مجلس بشمار رفت و حيثیت و احترام بزرگی براي حزب ما در جامعه ايران و براي کشور ما در جهان فراهم نمود.

۴- قدرت فراكسيون ما در وجود حزب باشهامت ما بود كه فراكسيون پارلماني افتخار دفاع از نظريات آن را در مجلس بعهده گرفته بود.

بدیهی است اگر نظرياتي كه در مجلس از طرف نمايندگان حزب ما ابراز ميگردید منگی بآراء اكثریت ملت ايران و هزارها نفر مجاهدینی كه در حول حزب ما جمع شده اند نبود بهیچوجه امكان نداشت بوسیله يك یا چند نفر در محیط نامساعد و ارتجاعی مجلس و در میان دستگاه ترور و وحشی كه دستگاه حاكما كه بوجود آورده بود اقدامات و عايباتي بفتح آزادی و استقلال ميهن ما و زحمتكشان اين کشور صورت گیرد.

۵- پاکی و درستی و مبری بودن از آلودگی هائی كه اكثریت نمايندگان مجلس و اعضاء دستگاه حاكما كه در آنها مستغرق بودند به رفتار و گفتار نمايندگان ما قدرت مخصوصی می بخشید

۶- باوجود کلیه اشكالاتی كه اكثریت مجلس در راه انعكاس نظريات حزب ما فراهم مينمود فراكسيون پارلماني ما - حداكثر ممكن - از تریبون مجلس بفتح اكثریت ملت ايران استفاده نموده است ساعات های متوالی تریبون مجلس در اختیار نمايندگان ما بود تنها هنگام بحث در برنامه دولت حكیمی، بیش از پانزده ساعت تریبون مجلس به نمايندگان ما اختصاص داشت و پنج نفر از هشت نفر نمايندگان ما در اين بحث كلی شرکت کردند.

در اين نطق ها از هیچ چیز فرو گذار نشد؛ مسائل داخلی و خارجی و نظريات ملت ايران جزا و كلا بوسیله نمايندگان ما در مقابل ملت طرح گردید و افش شوم هیئت حاكما كه و اقدامات و عايبات آزادی كش زمامداران بتفصیل برهه لا شد

این نطق ها حاوی اسناد و مداركی بود كه اكثریت ملت ايران بوسیله نمايندگان فراكسيون حزبی ما محكومیت دستگاه حاكما كه کشور ما را بجهانپایان ثابت ميکرد.

۷- فراكسيون پارلماني فعالیت خود را طبق برنامه معين و مدونی كه به تصویب كميته مرکزی حزب رسیده بود آغاز نمود و تا پایان دوره چهاردهم پیوسته هدف های پیش بینی شده از اين برنامه را كه شامل حداقل تفاضهاي ملت ايران در اين دوره بود تعقيب ميکرد چنین است باختصار خصوصياتی فراكسيون پارلماني ما و بسبب همین خصوصيات است كه فراكسيون پارلماني ما از لحاظ انضباط و وحدت نظر و هدف عالی و شجاعت، شهرت بی نظیری كسب نمود و مورد تقدیر مراجع حزبی قرار گرفته است.

خصوصيات مذکور در بالا از جمله عللی است كه دستگاه حاكما كه ايران در دوره پانزدهم با محدودیت ها و فشارهای فراوانی كوشید حزب را از شرکت در مجلس پانزدهم محروم سازد و بدین وسیله صدای حقیقی توده ملت ايران را در مجلس پانزدهم خفه كند

•••

فراكسيون ما در مورد ابراز رای تمایل نسبت به روسای دولت رویه ثابت و مشخصی را در تمام دوره مجلس چهاردهم دنبال نموده است. فراكسيون ما در مجلس با اینکه بیشتر

موارد با اقلیت مجلس شورای ملی همکاری ننمود، خود اقلیتی در اقلیت دوره چهاردهم مجلس شورای ملی محسوب میشد، بنابراین در هیچ مورد نتوانست است نظر واقعی و حقیقی خود را در انتخاب نخست وزیران عملی سازد.

در آغاز کار مجلس چهاردهم هنگام انتخاب اولین نخست وزیر این دوره فراکسیون ما چون کاندید مناسبی که بتواند زمینه کامل در مجلس داشته باشد نداشت نظریه خود را بدون اینکه نام کسی را ذکر کند بطریق زیر کتباً ابراز داشت :

۲۸ اسفند ۱۳۲۲

نظریه فراکسیون حزب توده ایران

فراکسیون حزب توده ایران بادر نظر گرفتن وضع خرابی که امروز در ادارات و امور مملکت حکمرا است معتقد است که هیئت وزرای آینده ایران باید از عناصر ملی و وطن پرست و پاکدامن که مورد اعتماد اکثریت کامل ملت ایران باشند انتخاب گردد تا بتواند اصلاحات اساسی لازم و فوری را اجرا کند.

از این رو فراکسیون حزب توده ایران برای نخست وزیر شخصی بنحوصی را پیشنهاد نمیکند و در مجلس عینی بادر نظر گرفتن شخصیت وزرای آینده و پروگرام هیئت دولت نظر خود را اظهار خواهد داشت. فراکسیون حزب توده ایران

فراکسیون ما در بعضی موارد در موقع انتخاب نخست وزیر رأی تمایل خود را نسبت به ستشارالدوله صادر کرد که در اقلیت مجلس زمینه ای داشت ابراز نمیکرد. جز در مورد قوام در هیچ موقع دیگر کاندیدی که فراکسیون ما با او موافقت میکرد، حمایت اکثریت لازم نمیشد.

فراکسیون ما با تمام دولت هائی که بدست اکثریت مجلس شورای ملی روی کار میآمدند و همه آنها ماهیت ارتجاعی هیئت ها که را حفظ میکردند و روشی یکجانبه از لحاظ سیاست خارجی داشتند شدیداً مبارزه نموده است در هیچ گاه جز در مورد کابینه بیات که مورد استیضاح سید ضیاءالدین قرار گرفته بود بهیچ دولتی رأی اعتماد نداد.

در مورد بیات فراکسیون ما رسماً با اطلاع کابینه رسانید که اگر رئیس دولت ضمن ایانات خود افعال و اعمال خائنانه، غیر ملی و ارتجاعی سید ضیاءالدین و عمال او را در نشاط مختلف کشور نماید شاید و خرابکاری های او را علنی کند فراکسیون ما در زمره موافقین دولت رأی اعتماد خود را نسبت بدولت ابراز خواهد داشت.

آقای بیات از پشت تریبون مجلس نه بآن اندازه که مورد توجه فراکسیون ما بود بلکه مختصری به عملیات ارتجاعی سید ضیاء و خرابکاری های او و طرفدارانش اشاره کرد. فراکسیون ما به بیات که مورد تمایل اقلیت مجلس نیز بود با در نظر گرفتن مبارزه او با دکتر میلیو که مورد تفرق و عمال استعمار از آن جمله سید ضیاءالدین بود و با وجود آنکه حزب در غالب نقاط ایران در آن هنگام از طرف عمال دولت مورد تهدید و فشار قرار گرفته بود، تنها برای تضعیف بیجه استعمار در مجلس و رسوا ساختن عمال آن، رأی اعتماد داد و این تنها رأی اعتمادی است که فراکسیون ما با شرکت اقلیت و بنفع دولتی از دولت های دوره چهاردهم ابراز داشته. این رأی در موقع خود مانند فعالیت های دیگر فراکسیون مورد تأیید همه محافل آزاد بخواه قرار گرفت.

با این رأی فراکسیون ما عملاً نشان داد که در امور مهم کشور بهیچوجه رویه منفی ندارد و در مواردی که یک عمل مثبت و منطقی از جانب دولتی مشاهده کند از ابراز کمک

۰۰۰

در اطراف رأی تمایل فراکسیون ما برای زمامداری قوام السلطنه مطالب بسیاری گفته شده است و در تضارونی که امروز میکنند غالباً اوضاع و احوالی را که کشور ما از لحاظ داخلی و خارجی در آن زمان داشت در نظر نمی گیرند .

اگر به شرایط و اوضاع و احوالی که دولت های ساعد و صدر و حکیمی در دوره زمامداری خود چه از لحاظ داخلی و چه از نظر خارجی پیش آورده بودند توجه کنیم مخصوصاً دوره زمامداری حکیمی را که با پیش آمدن مسئله آذربایجان مواجه بوده و در نظر فراردهیم و سیاستی را که حکیمی بدستور محافل ارتجاعی و استعماری نسبت به حزب ما و جنبش های دموکراتیک در پیش گرفته بود، سیاستی که کشور ما را جبراً به يك جنگ خونین داخلی کشانده، مسئله ایران را به يك مسئله بین المللی تبدیل کرده و وسیله ای بدست امریکا و انگلستان در مبارزات آنها با اتحاد جماهیر شوروی میداد، مورد دقت قراردهیم بی شک به بی پایه بودن این تضاروت پی خواهیم برد .

دولت حکیمی در آغاز کار بدون توجه به عواقب عملیات خود موضوع ایران را به يك مسئله بین المللی مبدل نمود و انجمن مسکو و شورای امنیت ملل متفق را به بحثی که برای مصالح ایران زیان آور بود دعوت کرد . دولت حکیمی تضاروت کسیون سه جانبه را بر امور ایران به پیشنهاد سفیر انگلستان تقریباً بدون قید و شرط پذیرفته بود .

دولت حکیمی حاضر نبود به نظریات اکثریت ملت ایران را که بلا مواجی از تظاهرات و اعتراضات همراه بود ترتیب اثر دهد .

دولت حکیمی حاضر نبود که در سیاست خشن خود که بر پایه فشار و حبس و تبعید کارگران و آزادیخواهان و تعطیل جرائد و کلوب ها حزبی و غیره قرار گرفته و بدست ارفع اجراء میشد، کوچکترین تغییری دهد . تمام تقاضاهای مردم را نشنیده میگرفت و روز بروز پرشدت بحران داخلی و خارجی که مقدمانش را کابینه ساعد و صدر و کابینه خود او فراهم کرده بودند میافزود .

دولت حکیمی با وجود همه کوشش های مابوسانه خود به کوچکترین موفقیتی چه در داخل کشور و چه در سیاست خارجی نائل نشد .

ارتجاع و استعمار از ضعف دولت و شدت بحران استفاده کرده میخواهند یکباره کشور ما را در جبهه ضد شوروی وارد نموده و دیکناتوروی نظامی شدیدی در سرنا سر مملکت برقرار کنند و دست با اقدامات خاناسوزی زنند که بدون شک تابع بسیار وخیمی برای ملت ما در برداشت . در چنین شرایطی که باختصار بدان اشاره شد قوام السلطنه که از ایجاد روابط دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی طرفداری میکرد ، با کشاننده شدن مسئله ایران به مراجع بین المللی مخالفت میورزید ، با نظریات دیکناتوروی دستگام ها که موافقتی نشان نمیداد و اظهار عقیده میکرد که باید بهر قیمتی است تیرگی روابط سیاسی ما با اتحاد جماهیر شوروی مرتفع گردد و علاوه موضوع آذربایجان به مسئله داخلی تلقی شود و بشکل مسأله آمیزی حل گردد توانست توجه تمام اقلیت مجلس شورای ملی و از آن جمله فراکسیون ما را جلب کند .

بدلائل بالا حزب ما و در نتیجه فراکسیون حزبی ما بقوام بعنوان تنها یابانید ممکن روز با آگاهی از ریشه های ارتجاعی عقاید قوام و با اطلاع بآنکه قوام با سوابق معلومی

که دارد نمیتواند با انجام کذب آمال و آرزوهای ملت ایران موافق باشد، رأی تمایل داد. ابراز رأی تمایل نسبت بقوام کاملاً جنبه نسبی و شرطی داشته است و بهیچ عنوان نمیتوان حزب و فراکسیون ما را طرفدار بدون قید و شرط قوام پنداشت. روش حزب ما نوشته‌های روزنامه‌های حزبی، و نطق‌های مسئولین ما، مؤید این نظر است.

ممکن است گفته شود که صحیح است که سرکار آمدن قوام در آخر دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، با توجه باوضاع و احوالی که در آن ایام برای کشور ما پیش آمده بود و تهدیدی که از طرف عمال دیکتاتوری در داخل و از طرف امپریالیزم انگلستان و امریکان از خارج، به اساس آزادی و استقلال ایران میشد، یک ضرورت تاریخی بود، ولی حزب و فراکسیون ما بیش از حد لازم در روزهای نخست در دفاع از قوام و حفظ او در مقابل حملات تسهیلانی فراهم کرده است و در تشویش حدود حدیث او زیاده روی نموده است ولی این ابراد از مناصب بودن سیاست عمومی که حزب نموده ایران از لحاظ مراعات مصالح کلی کشور در آئین با ابراز تمایل نسبت بقوام السلطنته اتخاذ کرده بود چیزی نمیکاهد.

آذربایجان

فشار بی‌اندازه‌ای که از طرف کابینه صدر به آزادیخواهان و مطبوعات آزادخواه وارد گردید، وحشت و تروری که ارفع رئیس ستاد در سرتاسر ایران بوجود آورد و سلاحی که بممال استعمار در نقاط شمال برای مبارزه مسلحانه با احزاب و سازمانهای آزادخواه داده شد، همه از جمله اقداماتی است که ارتجاع ایران بوسیله صدرالاشراف و ارفع برای خفه کردن جنبشهای دموکراتیک ایران و تحمیل یک رژیم دیکتاتوری و نظامی به ملت ایران قبل از شروع حادثه آذربایجان انجام داده است.

آذربایجان پیش از همه مورد فشار ارتجاعی قرار گرفته بود. هزارها دهقان و صدها کارگر در زندانهای آذربایجان به تحریک مالکین بزرگ و بدست ژاندارمها توقیف میشدند. دستگاه اداری آذربایجان که از عمال ارتجاعی و دست‌نشاندهاگان سیدضیاء لبریز بود از یک روش خصومت آمیزی در سراسر آذربایجان نسبت به توده مردم پیروی میکرد.

تلگرافهای دسته جمعی و اعتراضات و تظاهرات عمومی در دستگاه دولت کوچکترین تأثیری نداشت. در سراسر ایران و بخصوص در آذربایجان شیخ یک حکومت خشن رضاخانمی تجلی می‌کرد.

صدرالاشراف در پاسخ تمام تلگرافها و تقاضاهای مردم در مجلس گفت « من باین تلگرافهای تبریز و نه بعدها از این قبیل تلگرافها اهمیت نخواهم داد ».

نمایندگان اکثریت مجلس این قبیل اظهارات را با وجود ضعف نسبی میکردند. سرانجام اوضاع و احوال مشروح فوق نوبت دموکراتیک آذربایجان را با یک برنامه عملی برای تأمین مطالبات توده مردم بوجود آورد. افراد حزب ما هم که در آذربایجان این برنامه را ترقیخواهان تشخیص دادند بآن پیوستند.

کمیته مرکزی حزب ما اوضاع و احوال جدید را پس از وصول اخبار آذربایجان در جلسات متعدد و طولانی مورد بحث و مطالعه کامل قرار داد. کمیته مرکزی باین نتیجه رسید که اولاً فرقه دموکرات آذربایجان و جنبشی که این فرقه در سرتاسر آذربایجان ایجاد کرده است عکس العمل مردم مخصوصاً دهقانان و کارگران آذربایجان در مقابل فشار و ظلم دستگاه حاکمه است و برخلاف نظر مرتجعین و طبقه حاکمه ایران، نهضت آذربایجان متکی به قدرت توده‌های وسیع مردم آن سامان است و نهست دشمنان ملت ایران که می‌گویند این جنبش بدست عده

ممدودی ایجاد شده سرایا دروغ و بی اساس است .
 تانیا تقاضای های فرقه دموکرات آذربایجان با روح قانون اساسی منافات ندارد.
 ثالثا حادنه آذربایجان يك مسئله داخلی است و باید از هر گونه آلودگی های
 بین المللی برکنار بمانند. این مسئله باید از راه مستقیم بدون مداخله دولت این و آن
 با تأمین حقوق دموکراتیک مردم آذربایجان و تعیین آن برای تمام ایران حل گردد.
 اینها بطور خلاصه نظریاتی بود که پس از بحث طولانی در جلسات کمیته
 مرکزی حزب اتخاذ گردید .

دولت حکیمی بجای آنکه مسئله آذربایجانرا يك امر داخلی تلقی کند و راه حل
 خردمندانه ای در پیش گیرد در صدد اعزام قوای نظامی به آذربایجان و ارجاع این موضوع
 به انجمن وزیران چهار دولت در لندن که بهیچوجه با مصالح ایران موافقت نداشت، برآمد
 و بسبب ادله تلگرافها و یادداشتها که اثری جز تشدید آشفتگی و تیرگی اوضاع نداشت
 پرداخت و هرگونه ارتباطی را با آذربایجان قطع کرد .

منهم کردن نهضت آذربایجان به نمایان تجزیه طلبی دروغ شرم آوری پیش نیست.
 حزب توده ایران بعنوان يك حزب طالب اصلاحات اساسی عقیده داشت و دارد که
 باید هرچه زودتر و در اسرع اوقات يك سلسله اصلاحات عمیق در سراسر ایران جامعه عمل
 پوشد و با اجرای قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیارات وسیع دموکراتیک بشمار استان
 های ایران داده شده و دستگاه حاکمه از عناصر فاسد و مغرب تعدیه گردد.
 حزب توده ایران که در کلیه موارد استقلال و تمامیت ارضی کشور را تأیید میکند
 در تقاضای عادلانه فرقه دموکرات آذربایجان هیچگونه تمایلات تجزیه طلبانه ای
 تشخیص نداد .

بنظور تأیید نظریات بالا ، بدستور کمیته مرکزی اینجانب ضمن نطق خود در مجلس
 هنگام تصویب بودجه ، در باره حوادث آذربایجان توضیحاتی دادم ، روزنامه کیهان در این مورد
 چنین نوشت :

« نطق دکتر رادمش نماینده حزب توده همانطور که در میان مخالفین
 بیطرف و آزادخواه ایران اثرات عمیق بخشید و حسی در مجلس بسیاری از
 مخالفین را وادار بسکوت نمود در دنیا نیز واکنش مساعدی بخشیده است زیرا
 بیانات وی حاوی بکرشته حقایق بود که هیچکس نمیتوانست منکر آن گردد .
 دکتر رادمش تأیید کرد که در ایران هنوز دولتها برای دستگیری از
 طبقه فقیر و بی توان کمترین اقدامی نکرده اند... »

این سخنان درست نماینده حزب توده ایران و مخصوصا بیانات موثر وی
 راجع بر رعایت مقتضیات جهان باندازه ای جالب توجه بود که برای نخستین بار
 رادیوهای جهان در انتشارات خود توجه مهمی بدان اختصاص دادند چنانکه
 رادیوهای پاریس قسمت زیادی از بیانات وی را نقل کرد و رادیو لندن نیز
 ساعت ۸ بامداد امروز ضمن اخباری که برای تمام کشورهای جهان منتشر ساخت
 خبر زیر را نیز بخش نمود :

« دکتر رادمش در پارلمان ایسرا ن جدا مداخله اتحاد جماهیر شوروی
 را در امور آذربایجان تکذیب نمود و تأیید کرد که هرگز يك انقلاب را نمیتوان
 بوسائل مصنوعی ایجاد کرد . »

دکتر رادمش اضافه کرد که ما نمیتوانیم در مجاورت يك کشور پهناور دوست

میلیونی ۱۵ میلیون لغت و گرسنه نگاه داریم و اگر دولت شوروی به نهضت آزادبخواهی آذربایجان بنظر خوبی نگاه کند جای تعجب نیست .
 محافل بیطرف خارجی نیز حادثه آذربایجان را يك مسئله داخلی تلقی کرده و نظر حزب توده ایران را تأیید کردند. برای نمونه اظهارات مدیر کل وزارت خارجه فرانسه را یادآوری میکنیم :

مدیر کل وزارت امور خارجه فرانسه در سیزده دسامبر ۱۹۴۵، در جواب دو قرار نامه نگاران ایران در مجلس پذیرائی که بافتخار روزنامه نگاران ایرانی در کاخ وزارت خارجه در پاریس صورت گرفت راجع به آذربایجان چنین گفت :
 « موضوع آذربایجان و حوادثی که در آن سامان وقوع یافته بعقیده وزارت امور خارجه فرانسه فقط يك مسئله داخلی ایرانست زیرا حزب دموکرات بطوریکه اطلاع داریم تاکنون هیچگونه تقاضائی برای تجزیه آذربایجان نکرده و فقط تقاضای خود را منحصر بیک نوع اختیارات داخلی در امور محلی نموده است . و مخصوصاً بنا بر اطلاعاتی که وزارت امور خارجه رسیده است هیچیک از احزاب و دسته های دست چپ ایران مخصوصاً حزب توده از افکار تجزیه طلبی طرفداری نمیکنند بنا بر این مادام که حزب دموکرات آذربایجان و دسته های سیاسی ایران صحبت از تجزیه خواهی نمیکنند دلیلی نیست که این موضوع داخلی و محلی بیک ماجرای بین المللی تبدیل شود . »

اقدامات حکیمی ، ارجاع این موضوع به انجمن مسکو و موافقت وی با معولی کردن امور ایران به يك کمیسیون نظارت سه جانبه با مخالفت شدید حزب توده ایران مواجه گردید . در ۱۸ دیماه ۱۳۲۴ در این خصوص در روزنامه مردم که بجای رهبر انتشار می یافت چنین نوشته شد : « با کمال صراحت اعلام میداریم که موافقت با چنین کمیسویی ملت ایران را بدرجه يك ملت مستعمره با نیت قیومت نازل خواهد داد و برای ما سرشکستگی بار خواهد آورد که تا ابد مایه عذاب ما و فرزندان ما خواهد بود . ما با صدای رسا فریاد میکنیم که ملت ایران بهیچ دولت خارجی اجازه نخواهد داد برای او قیومت داشته و تکلیف همین کند . »

پیشنهاد کمیسیون نظارت با اعتراض شدید اقلیت در مجلس نیز روبرو گردید. دولت شوروی با این پیشنهاد موافقت نکرد و همین ما باین ترتیب از يك خطر فظمی که استقلال ما را تهدید میکرد نجات یافت . در این هنگام ، با سرکار آمدن قوام السلطنه در روش دولت تغییر پیدا شد که بقرارداد ۴ آوریل ۱۹۴۶ مطابق شانزده فروردین ۱۳۲۵ با دولت شوروی منتهی گردید .

در بند سوم این قرارداد دولت ایران مسئله آذربایجان را يك امر داخلی تلقی کرده و قبول میکند که « راجع به آذربایجان چون امر داخلی ایران است ترتیب مسالمت آمیزی برای اجرای اصلاحات برطبق قوانین موجوده و با روح خیرخواهی نسبت به اهالی آذربایجان بین دولت و اهالی آذربایجان داده خواهد شد . »

طبق همین نظر در تاریخ سه اردیبهشت ۱۳۲۵ تصویب نامه هیئت دولت درباره آذربایجان بشرح زیر صادر میگردد :

تصویب نامه هیئت دولت درباره آذربایجان

از بدو تشکیل دولت فزلی که امور آذربایجان محل اعتنا و توجه مخصوصی قرار گرفت و اصلاحات آن سامان جلب نظر نمود پس از فور و مطامه در منویات

آن هموطنان گرامی هیئت وزیران تصمیم گرفت تا حدی که قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه بقوه مجریه اجازه میدهد اعمال ساکنین آن استان برآورده شده و با آغوش باز آن هموطنان عزیز را بسد برفه و بوحدت و اخوت دعوت نماید.

این است که تصویب نامه هیئت دولت که در این موضوع صادر شده برای اطلاع عامه ذیلا نشر میشود:

اختیاراتی که در قانون مصوب ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری بموجب اصل ۲۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ متمم قانون اساسی برای انجمن های ایالتی و ولایتی تصویب شده در آذربایجان بطریق ذیل تصریح و تائید میگردد:

۱ - روسای کشاورزی و بازرگانی و پیشه و هنر و حمل و نقل محلی و فرهنگ و بهداشتی و شهربانی و دوائر دادرسی و دادستان و ناظر دارائی بوسیله انجمن های ایالتی و ولایتی انتخاب و مطابق مقررات احکام رسمی آنها از طرف دولت در تهران صادر خواهد شد.

۲ - تعیین استاندار یا جلب نظر انجمن ایالتی با دولت خواهد بود و نصب فرماندهان قوای نظامی و ژاندارمری از طرف دولت بعمل خواهد آمد.

۳ - زبان رسمی آذربایجان مانند سایر نواحی کشور ایران فارسی میباشد و کارهای دفاتر و ادارات محلی و کارهای دوائر دادگستری بزبانهای فارسی و آذربایجانی (ترکی) صورت میگردد، اما تدریس در پنج کلاس ابتدائی در مدارس بزبان آذربایجانی صورت میگردد.

۴ - هنگام تعیین عایدات مالیاتها و اعتبارات بودجه کشور دولت در باره آذربایجان ضرورت بهبود آبادی و عمران شهرها و اصلاح کارهای فرهنگی و بهداشتی و غیره را در نظر خواهد گرفت.

۵ - فعالیت سازمانهای دموکراتیک در آذربایجان و اتحادیه ها و غیره مانند سایر نقاط کشور آزاد است.

۶ - نسبت باهالی و کارکنان دموکراسی آذربایجان برای شرکت آنها در نهضت دموکراتیک در گذشته، تخفیفات بعمل خواهد آمد.

۷ - با افزایش عده نمایندگان آذربایجان بتناسب جمعیت حقیقی آن ایالت موافقت حاصل است و در بدو تشکیل دوره پانزدهم تفهیمیه پیشنهاد لازم در این باب بجلس خواهد شد که پس از تصویب کسری عده برای همان دوره انتخاب شود.

نخست وزیر - قوام السلطنه

در توفیق این تصویب نامه پس از رفت و آمد نمایندگان بالاخره هیئتی به آذربایجان اعزام شد و قراردادی دربارتوجه ماده میان دولت و نمایندگان مردم آذربایجان در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۲۵ بامضاء رسید که بموجب آن اصول تصویب نامه بالا بشرح ذیل تائید گردید:

متن موافقتنامه بین هیئت اجرایی مرکز و نمایندگان آذربایجان

در نتیجه مذاکرات بین دولت و نمایندگان آذربایجان و باتوجه بمواد هفت گانه ابلاغیه مورخه ۲۵/۲/۲۵ دولت که مورد قبول نمایندگان مزبور

واقع گردیده و در نتیجه تبادل افکار توافق نظر حاصل شد که مواد زیر که بتوان توضیح و تکمیل آن تنظیم گردیده بوقع اجرا گذارده شود.

ماده ۱ - نسبت بمقادیر ماده اول ابلاغیه صادره دولت موافقت حاصل شد که جمله زیر بآن اضافه گردد: رئیس دارائی نیز بنا به پیشنهاد انجمن ایالتی و تصویب دولت تعیین خواهد شد.

ماده ۲ - چون در ماده ۲ ابلاغیه دولت مقرر گردید که تعیین استاندار با جلب نظر انجمن ایالتی با دولت خواهد بود بمنظور اجرای اصل مزبور موافقت حاصل شد که وزارت کشور استنادار را از میان چند نفر که انجمن ایالتی معرفی خواهد نمود برای تصویب بدولت پیشنهاد نماید.

ماده ۳ - نظر به تحولات اخیر در آذربایجان، دولت سازمان فملی را که بتوان مجلس ملی آذربایجان انتخاب و تشکیل شده است بمنزله انجمن ایالتی آذربایجان خواهد شناخت و پس از تشکیل مجلس ۱۵ و تصویب قانون جدید انجمن ایالتی و ولایتی که از طرف دولت پیشنهاد خواهد شد انتخابات انجمن جدید ایالتی و ولایتی آذربایجان طبق قانون مصوبه فوراً شروع خواهد شد.

ماده ۴ - برای تعیین تکلیف قوای مجلسی و فرماندهان آن که در نتیجه تحول و نهضت آذربایجان نفرات آن از افراد نظام وظیفه احضار گردیده اند و باامضای این قرارداد جزء ارتش ایران محسوب میشوند موافقت حاصل شد کمیسیونی از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و انجمن ایالتی آذربایجان درمحل تشکیل و راه حل آنرا هرچه زودتر جهت تصویب پیشنهاد نماید.

ماده ۵ - نسبت بوضع مالی آذربایجان موافقت حاصل گردید که ۲۵ درصد از عواید آذربایجان جهت مخارج معملی اختصاص و ۲۵ درصد جهت مخارج عمومی کلیه کشور ایران بمرکز فرستاده شود.

تبصره ۱ - مخارج و عواید ادارات پست و تلگراف - گمرک - راه آهن و کشوری دریاچه ارومیه مستثنی بوده و مخارج و عواید آن کلاً برعهده و منحصر بدولت خواهد بود.

توضیح اینکه تلگرافهای انجمن های ایالتی و ولایتی و دوایر دولتی آذربایجان مجاناً مخایره خواهد شد.

تبصره ۲ - ساختمان و تعمیر راههای شومه اساسی برعهده دولت است و اصلاح و تعمیر راههای فرعی و محلی بمهده انجمن ایالتی آذربایجان میباشد.

تبصره ۳ - دولت برای فدردانی از خدمات برجسته اهالی آذربایجان بشروطیت ایران و بمنظور حق شناسی از فداکاریهائی که مردم آذربایجان در راه استقرار دموکراسی و آزادی نموده اند قبول نمود که ۵ درصد از عواید گمرکی آذربایجان را جهت نامین مصارف دانشگاه آذربایجان اختصاص داده شود.

ماده ۶ - دولت قبول میکند که امتداد راه آهن میان تابرز را هرچه زودتر شروع و در اسرع اوقات انجام دهد بدیهی است که جهت انجام این امر کارگران و متخصصین آذربایجانی حق تقدم خواهند داشت.

ماده ۷ - قوای داوطلبی غیر از نظام وظیفه که بنام فدائی در آذربایجان تشکیل شده به ژاندارمری تبدیل میگردد و برای تعیین تکلیف قوای انتظامی مزبور هم چنین تعیین فرماندهان موافقت حاصل شد که کمیسیون از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و انجمن ایالتی آذربایجان در محل تشکیل و راه حل آنرا جهت اصلاحات پیشنهاد نماید .

بصره ۱ - نظر باینکه در سنوات اخیر بر اثر بعضی اعمال ، نام امنیه و ژاندارمری در پیشگاه افکار عمومی ایران خصوصاً آذربایجان ایجاد احساسات مخالف و نامناسبی نموده است و نظر باینکه رئیس دولت شخصاً فرماندهی این سازمانرا اخیراً عهده دار گردیده و انتظار آغاز اصلاحات و تصفیه این اداره از عناصر نام صالح می رود ، موافقت حاصل شد که احساسات عمومی و مخصوصاً اهالی آذربایجان نسبت به ژاندارمری باستحضار رئیس دولت برسد تا برای تغییر اسم آن و انتخاب نام مناسب جهت سازمان مزبور تصمیمات مقتضی را اتخاذ فرماید .

ماده ۸ - نسبت باراضی که در نتیجه نهضت دموکراتیک آذربایجان میان دهقانان آذربایجان تقسیم گردیده آنچه مربوط به املاک دولتی است چون دولت با تقسیم خالصات میان دهقانان و زارعین در تمام کشور اصولاً موافقت اجرای آنرا بلامانع دانسته و لاجرم مزبور آنرا در اوایلین فرصت برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود و آنچه از اراضی غیره در نتیجه تحولات اخیر آذربایجان بین رعایا تقسیم شده موافقت حاصل شد که جهت جبران خسارت مالکین و با تمویض املاک آنها کمیسیونی از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و نمایندگان انجمن ایالتی تشکیل میگردد و راه حل را جهت تصویب پیشنهاد نماید .

ماده ۹ - دولت موافقت میکند با افتتاح مجلس یازدهم لایحه قانون انتخابات را که روی اصل آزادی و دموکراسی یعنی با تأمین رأی عمومی - مطلق - مستقیم متناسب و مساوی که شامل نسوان هم باشد تنظیم و قبول آنرا بقید فوریت خواستار شود دولت همچنین قبول مینماید بمنظور از دیاد نمایندگان آذربایجان و سایر نقاط کشور به تناسب اهالی نقاط مختلف بمجرد افتتاح مجلس یازدهم لایحه قانونی را پیشنهاد و بقید دو فوریت نقاضای آنرا بنمایند تا پس از تصویب بوسیله انتخابات ، کسری نمایندگان نقاط مزبور تعیین و بمجلس اعزام گردند .

ماده ۱۰ - ایالت آذربایجان عبارت از استانهای ۳ و ۴ خواهد بود .

ماده ۱۱ - دولت موافقت دارد که جهت تأمین حسن جریان امور آذربایجان شورای اداری از استاندار و روسای ادارات و هیئت رئیسه انجمن ایالتی تشکیل و تحت نظارت انجمن ایالتی انجام وظیفه نماید .

ماده ۱۲ - ماده ۳ - ابلاغیه مورخه ۲ اردیبهشت ۱۳۲۵ که از لحاظ تعیین تکلیف مدارس متوسطه و عالیه دارای ابهام میباشد جمله زیر اضافه میگردد: در مدارس متوسطه و عالیه تدریس بدو زبان فارسی و آذربایجانی طبق برنامه وزارت فرهنگ که با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان اصلاح و موافق موازین دموکراتیک و اصول مترقی جدید تنظیم گردیده تدریس خواهد شد .

ماده ۱۳ - دولت موافقت دارد که اگراد مقیم آذربایجان از مزایای این موافقت نامه برخوردار بوده و طبق ماده ۳ ابلاغیه دولت تا کلاس ابتدائی بزبان خودشان تدریس نمایند .

تصوه - اقلیت های آذربایجان از قبیل آسوری و ارمنی حق خواهند داشت تا کلاس پنجم ابتدائی بزبان خود تدریس نمایند .

ماده ۱۴ - چون دولت در نظر دارد قانون انتخابات جدید شهرداریها را جهت تمام ایران روی اصول دموکراسی یعنی رأی عمومی - مخفی - مستقیم و مساوی به مجلس پانزده پیشنهاد نماید بجزرد تصویب قانون مزبور انتخابات انجمن شهرداریها در آذربایجان و در تمام نقاط ایران شروع خواهد شد و تا تصویب قانون مزبور و انتخابات شهرداری قلمی آذربایجان بوظایف خود ادامه خواهند داد .

ماده ۱۵ - این موافقت نامه در دو نسخه تنظیم و مبادله گردیده و پس از تصویب هیئت دولت و انجمن ابائی آذربایجان بوقع اجرا گذارده خواهد شد .

تبریز بتاريخ ۲۳ خرداد ۱۳۲۵

مظفر فیروز - پیشه وری

انتشار تصویب نامه هیئت وزیران و موافقت نامه ای که در تحقیق آن بامضاء رسید دیگر هیچگونه شک و شبهه ای در باره پایان مسألت آمیز مسئله آذربایجان باقی نگذاشت باین ترتیب صحت نظریه کمیته مرکزی حزب ما که در محیط برهباد و اتهامات بر بنده و بار دشمنان بیان شده بود بشوت رسید .

بدیهی است که این شیوه عمل دولت با مخالفت عمال استعمار که جریانرا بضرر خود تشخیص میدادند روبرو گردید و تحریکات از هر طرف شروع شد . در این موقع رادبو مسکو خبر مهمی را که روزنامه «پراودا» درج کرده بود انتشار داد . بموجب این خبر که از منابع موثق تهران کسب شده بود «آقای سبیر کبیر انگلستان در ملاقاتی از آقای نخست وزیر از روش سیاسی دولت اظهار عدم رضایت نموده و تهدیدهایی هم با نظم ارات خود اضافه نمودند » .

رفته رفته امپریالیسم انگلستان و امریکا بدست عمال خود وارد عملیات قطعی در معائن دستگاه حا که شده مقدماتی برای برهم زدن اوضاع ایران فراهم کردند .

تشکیل کابینه ائتلافی نه تنها از حملات و عملیات ارتجاعی و تحریکات خارجی جلوگیری ننمود بلکه بر شدت آنها افزوده شد و سرانجام به کناره گیری وزرای ما از دولت قوام منتهی گردید .

ضولی نکشید که امپریالیستهای امریکا و انگلستان با تهدید و تطبیع و مداخلات علنی در امور میهن ما تسلط و اقتدار خاصی در سیاست خارجی و داخلی ایران پیدا کردند که بالاخره در آذرماه ۱۳۲۵ به اعزام نیرو به آذربایجان که همه نمایندگان از چگونگی آن اطلاع دارند منجر گردید .

نیروی دموکراسی در مقابل حملات ارتجاع و استعمار صلحت را در آذربایجان از آن دید که از مقاومت مسلحانه برهیز جوید .

حزب توده ایران از آغاز تاسیس خود پیوسته اجرای قانون اساسی و انجام یک سلسله اصلاحات لازم و ضروری را تقاضا میکرد . پیش از نهضت دموکراتیک آذربایجان و پس

از آن نیز در همه حال از مطالبات قانونی و ترفیخواهانه ملت ایران پشتیبانی مینماید. ملاک مساوات حزب توده ایران نه تنها در باره نهضت آذربایجان بلکه در مورد هر جنبش دیگری، انطباق آن با اصول مرام حزب (که به قانون اساسی و حاکمیت ملی ایران منگی است) میباشد. حزب ما تاکنون در حفظ اصول آزادی و دموکراسی و اجرای قانون اساسی و دفاع از تمامیت ارضی ایران از هیچ کوششی کوتاهی نکرده است. امروز نیز مانند همیشه حزب توده ایران معتقد است که دستگاه حاکمه ایران باید هر چه زودتر از عناصر بلیدی که آثار بی اراده بیگانگان هستند و جز تأمین امتیازات نامشروع خود هدف دیگری ندارند پاک و مصلح گرد و اصلاحات دموکراتیک در کلبه رسته های زندگی ما هر چه زودتر صورت گیرد و بالاخره خود امیرالیزم از میهن ما ریشه کن شود. حزب توده ایران جدا باین تقاضاها مستفاد است و در راه این اعتقاد خود مبارزه میکند و اطمینان راسخ دارد که تنها از این طریق آزادی و استقلال میهن عزیز ما ایران تأمین خواهد شد.

شرکت در دولت

چند ماه پیش از تشکیل دولت ائتلافی مذاکراتی میان قوام و نمایندگان حزب ما در باره شرکت عملی حزب توده ایران در اداره امور کشور جریان داشت. در این هنگام با وجود آنکه بهانه هایی از قبیل خروج قوای خارجی و حل مسئله آذربایجان که بعنوان موانع در راه انجام اصلاحات ذکر میگردد مرفوع شده بود، هیئت حاکمه ایران و دستگاه دولتی آن هیچ عمل اصلاحی دست نیزد. مرتجعین داخلی و امیرالیزمهای خارجی از امضاء موافقتنامه دولت با نمایندگان مردم آذربایجان شدت ناراضی و خشمگین بودند و با حملات خود موقیبت دولت را متزلزل میکردند.

تشکیل حزب دموکرات ایران بدست قوام السلطنه و پناه دادن عناصر ارتجاعی در این حزب و مبارزه ای که میان این حزب و حزب ما در تمام نقاط ایران در گرفت بر اشکالات و عوامل تزلزل دولت افزود. جریانات مزبور موقیبت هائی را که آزادخواهان ایران باصرف زحمات و مشقات فراوان بدست آورده بودند تهدید میکرد. با نزدیکی انتخابات مجلس شورای ملی، ضرورت شرکت ما در دولت برای جلوگیری از تعریکات ارتجاعی و مداخلات امیرالیزم امریکا و انگلستان در جریان انتخابات و بمنظور تأمین آزادی نسبی این انتخابات را از هر جهت احساس میشد.

بناحلت شرکت وزرای ما در کابینه این بود که حزب میخواست در عدل و نداداری و آمادگی خود را برای اجرای نظریات اصلاح طلبانه و ترفیخواهانه ای که همیشه ابراز میداشت به نیوت رساند. حزب میخواست با شرکت در کابینه شان دهد که علا برای اصلاح آنچه که مورد انتقاد اوست بدون تردید و معافه کار بهای متداول و لحرق شدن در یک بورکراتیسم ناسد اقدام خواهد کرد. علت دیگر شرکت وزرای ما در کابینه این بود که حزب از این راه مایل بود برای کسب امتیازات جدید بسود طبقات زحمتکش قدم هائی بردارد. بالاخره دلیل دیگر شرکت وزرای ما در کابینه این بود که از این راه نهضت دموکراسی ایران رسپت میبافت و حزب ما اقتدار و نفوذ بیشتری کسب میکرد.

در ۱۳ مرداد از طرف کمیته مرکزی حزب در باره شرکت سه وزیر توده ای در دولت اعلامیه ای صادر گردید در این اعلامیه چنین گفته شد:

«کمیته مرکزی حزب توده ایران مقتضی دید که بمنظور جلوگیری از دسایس عناصری که هنوز هم بر ضد نهضت های دموکراتیک حرکات مذبحانه

میکنند و قتل و غارت زحمتکشان میبردازند و همچنان بمنظور طرح نقشه های
عملی جهت تسلط صنایع کشور و تهییج فرهنگ و بهداشت و تأمین نان و کار و امنیت
قضائی در کابینه شرکت جوید و تا حد امکان انجام آمل و آرزو های ملت
علا محاسنت کند.

باین ترتیب قوا و الحلقه سومین کابینه خود را با سه وزیر از حزب ما و یک
وزیر از حزب ایران تشکیل داد و ضمن اعلامیه ای توضیح داد که « بمنظور ادامه اصلاحات
و توجه به صلاح کشور [افراد] احزاب آزاد بخواند را در کابینه شرکت داد تا اصلاحات
مورد نظر بنحوی مطلوب انجام پذیرد ».

وزرای ما در دوات، بعضی انجام تشریفات معرفی با جدیت تمام بکار پرداختند.
نخستین عمل وزرای ما آغاز تصفیه دستگاه اداری و وزارتخانه های مربوط بود.
کمیته مرکزی بمنظور کمک و مساعدت با وزرای خود کمیسیونهایی از افراد بصیر
حزبی در وزارتخانه های مربوطه تشکیل داد تا با همکاری و همفکری این کمیسیونها وزرای
ما بتوانند تصمیمات لازم و مقتضی را اتخاذ کنند.

هدف دیگر تشکیل این کمیسیونها طرح و تهیه نقشه های بمنظور اجرای اصلاحات
ضروری بود.

ماولی نکشید که در وزارتخانه های تحت نظر رفقای ما، با اصلاحات مقدماتی کینه
در آنها صورت گرفت تغییرات عمده ای رخ داد.

عمل تصفیه که از احاطه تهور و جبارت آن در دستگاه دولتی بی سابقه بود تاثر
فوق العاده مثبتی در افکار عمومی و مطبوعات ایران بخشید. کارمندان خدمتگذار و مستخدمین شریف
و مبین پرست دستگاه دوات نیز با مشاهده این قبیل اقدامات قطعی بسیار تشویق و امیدوار شدند.
از به خارج زانند، در وزارتخانه های تحت تصدی وزراء نوده ای جاو گیری شد
و کوشش بعمل آمد از بودجه های مربوطه به نحو احسن استفاده شود با وجود مقاومت
وزارت دارائی شصت میلیون ریال به بودجه وزارت فرهنگ و بیست میلیون ریال به بودجه
وزارت بهداری دوائر کوشش وزرای ما افزوده شد.

از سوء استفاده های باره ای از کارمندان دوات و کسانی که دستگاه دواتی را میدان
جباول و غارت خود قرار داده بودند موثرا جاو گیری شد.

کارگران کارخانه های دولتی پس از شرکت وزراء نوده ای در کابینه، قطع نامه ای
صادر کردند و با توجیه وزیر نوده ای بر مقدار معسول این کارخانه ها بیزان قابل
ملاحظه ای افزودند.

طابق تصویب شورای عالی فرهنگ در زمان وزیر نوده ای مقرر گردید حقوق کامل
معلمین بسیار در تمام مدت بیماری پرداخت شود در صورتیکه سابقاً معلم بسیار مجبور بود با حقوق
خود جانشینی بجای خویش بگمارد.

در آئین نامه امتحانات تخیراتی بر اساس بالا بردن احترام و شخصیت معلمین داده شد و برای
کسانی که در خارج از مدرسه بمناسبت اشتغال بکار، تحصیل میکنند تمهیداتی برای شرکت
در امتحانات فراهم گردید.

در نتیجه اقدام وزیر نوده ای با ارسال ۱۳۲۵ دوازده هزار معلم بیش از سال قبل
در مدارس نام نویسی کردند.

از پانزده میلیون بودجه وزارت بهداری سابقاً ۵ میلیون صرفه جویی شده بود.
بدیهی است که با بودجه مختصر این وزارتخانه که بیش از ۳۷۵ درصد بودجه کشور نیست

چنین صرفه جوئی بيمورد بود. در دوره تعدی وزیر حزبی ما تمام بودجه وزارت بهداری علاوه دو میلیون تومانیکه با کوشش ما بر بودجه این وزارتخانه افزوده شد به مصارف ضروری بهداشت کشور رسید.

قسمت اعظم این بودجه به بهداری شهرستانها که حتی از داشتن پنجپال برای نگهداری مایه آبله نیز محروم بودند مصرف گرفته است.

بر مقدار دارو تعداد تخت خواب بیمارستانها افزوده شد. تنها شماره تخت خوابهای آسایشگاه مسولین شاه آباد سه برابر شد. دوائر مخصوصی برای مبارزه با تریاک در وزارت بهداری تاسیس شد. اقدامات مؤثر دیگری با شرکت رفقای حزبی در سایر وزارتخانهها صورت گرفت.

جنبه مشترك وزراء ما همان وحدت نظر آنها و رفتار توده ایست که این وزراء معمول میداشتند. در ب اطلاق وزیران توده ای هیئت بروی همه مخصوصا بروی مردم زحمتکش باز بود.

هیچگونه تبعیض و استثنائی در دستگاه وزارتخانه های توده ای مشاهده نشد. وزرای ما در کلیه موارد منافع اکثریت ملت را در نظر میگرفتند و منافع ملی و میهنی را بیش از هر چیز دیگر مورد توجه قرار میدادند.

جلسات هیئت دولت با حضور وزرای توده ای روح تازه ای بافت. و به فعالیت دولت بشکل محسوسی افزوده شد. وزرای ما در کلیه مباحث هیئت دولت شرکت مؤثری داشتند و همه مسائل را با دقت کامل مورد بحث و مطالعه قرار میدادند.

برای پیشرفت نظریات حزبی و انجام دستورهای حزب از هیچ کوششی فروگذار نشد. مهمترین اشکالی که در مقابل وزرای ما در انجام کارهای آنها در دستگاه دولتی وجود داشت، نداشتن کادرهای لازم و ورزیده بود. با وجود گروه زیادی از روشنفکران حزبی، حزب ما از حیث کادر ورزیده و آشنا با امور اداری و فنی در وزارتخانهها بسیار در عقبه افتاد. شایعات مبنی بر این که وزرای توده کارمندان وزارتخانهها را منتظر خدمت و با اخراج میکردند و بجای آنها از افراد توده ای استفاده میکردند صحت ندارد.

در تمام مدت زمامداری وزرای ما جز در موارد بسیار نادر چیزی در مورد چند نفر در تغییراتی که در کادر وزارتخانهها داده شد از کارمندان وزارتخانه بدون اینکه توجه به مصلک و مشرب سیاسی آنها استفاده گردیده است. ملاک عمل اصولا صلاحیت و عدم صلاحیت بوده و در خیالی از موارد با وجود تساری شرایط افراد غیر حزبی از احاطه تشویق آنها به افراد حزبی مقدم شمرده میشدند.

شرکت وزرای توده ای در دولت و آغاز يك سلسله اصلاحات و توسعه نفوذ حزب توده ایران و بطور کلی پیشرفت نهضت های دموکراتیک، برخاسته مرتجعین و امپریالیست های انگلستان و امریکا افزود.

امپریالیسم با اقدامات جدیدی از قبیل راه انداختن نوطه راهزنان فارس و برانگیختن باره ای از سران عشایر جنوب دست زد.

باغبان فارس علنا از دولت تقاضاهائی از قبیل اخراج وزیران توده ای داشتند زیرا که وزرای ما برای ادامه تسلط اربابان آنها در صحنه سیاسی ایران مانع مهمی بشمار میرفتند. باغبان جنوب در حوالی شیراز در بوشهر و کازرون به قتل و کشتار سر بازان اقدام نمودند و بنارت و جیاول برداشتند. در نتیجه میلیونها تومان از دارائی دولت در بوشهر بناراج رفت سران ایلات و عشایر اطراف اصفهان نیز در جلساتی با حضور مامورین خارجی شرکت

کرده و توطئه‌هایی ترتیب دادند که منجر به حبس چند نفر از آنها و اعلام حکومت نظامی در اسفهان گردید.

علاوه بر اقدامات مذکور به منظور جلوگیری از توسعه نفوذ دموکراتیک ابراهیم و ترس از ایجاد جبهه واحدی از احزاب که مقدمانش فراهم میشد، همکاری نزدیکی بین امیربالیسم انگلستان و امیربالیسم آمریکا از لحاظ مداخله در امور ایران پیدا شد. امیربالیسم انگلستان برای برهم زدن نمادانی که بفتح قوای دموکراسی بوجود آمده بود موافقت کرد که دست آمریکا بیش از پیش در صحنه سیاسی ایران بازگردد.

در این موقع است که آلن سفیر کبیر آمریکا رسماً و علناً با اقدامات مداخله جویانه‌ای در امور ایران پرداخت و با دربار و قوای تماس منظمی برقرار کرد و تهدیدهای نمود. بعدها معلوم شد که در ضمن همین تماس‌ها بود که آلن سفیر آمریکا اخراج وزرای توده‌ای را از دولت و برهم زدن جبهه دموکراتیک و اعزام قوا به آذربایجان را رسماً تقاضا نموده است. ماهیت ارتجاعی نظریات قوام زمینه مساعدی برای فشار و تهدیدهای مزبور تشکیل میداد. قوام که از خیالی پیش روابط نیکوئی با آمریکا داشت و در حقیقت سیاست سازش‌پسای شوروی را بفتح تسلط سیاست آمریکا در ایران بازی میکرد با مشاهده تحریکات ارتجاعی و هجومی که سیاست امیربالیسمی آمریکا در تمام کشورهای خاور میانه آغاز کرده بود ماهیت ارتجاعی خود را آشکار و برملا ساخت.

قوام السلطنه که هیچ موقع به ملت و آزادی و دموکراسی عقیده نداشته است تحت تاثیر عوامل چندی از قبیل اوضاع و احوال داخلی، شرایط مخصوص بین‌المللی که آغاز تهاجم غلنی سیاست آمریکا را نوید میداد، حس خودپرستی و اختلافاتی که با دست‌ها و معانل دیگر طیف حاکمه داشت، برخلاف معاهدات و عملیات سابق خود مزورانه تغییر روش در سیاست داخلی و بین‌المللی داد.

وزرای توده که ادامه همکاری با قوام، با همان کسی که آنها را در کابینه شرکت داد و صحت تعولات دموکراتیک آذربایجان را رسماً ناپدید نمود، پس از هفتاد و سه روز شرکت در کابینه دیگر ممکن ندیدند و از حضور در هیئت دولت بدستور کابینه مرکزی حزب خودداری کردند. کمیته مرکزی درباره خروج وزرای توده ضمن اعلامیه‌ای چنین توضیح داد:

«کمیته مرکزی حزب توده ایران برای ابراز صداقت و پایداری در تمسبسی که اتهاذ کرده بود بوزرای خود دستور داد حتی القدر با حکومت آق‌های قوام السلطنه که با آزادیخواهان علاقه‌ای نشان ندادند همکاری کنند و فتنی حوادث خوزستان رخ داد و در اثر تهریک امیربالیسیم و تشویق مرتجعین تصمیمات فردی و خلاف مصالحی در این استان اجراء شد و موسسات آزادیخواهان و کارگری آن سامان با مال حکومت نظامی و برخی از مامورین خیانتکار و قدار گردید کمیته مرکزی حزب توده ایران عدم رضایت شدید خود را از این حوادث به آقای نخست‌وزیر تذکر داد.»

از آن هنگام وزراء توده از طرفی و روزنامه ارگان حزب از طرف دیگر موارد انحراف از قانون و آزادی را یادآور شدند و در همین تعامل و شکیبانی عواقب نامطلوب اقدامات جنوب را توضیح دادند ولی البته تمام این تذکرات و توضیحات بلا نتیجه ماند. . . . در این هنگام غایب فارس و طایبان راهزنان آن سامان شروع شد نظر حزب در این جریان واضح و روشن بود: سرکومی قطعی طایبان و استقرار نظم برای نفویت مرکزیست.

ولی ناگهان مشاهده شد که پس از مشاهده های فراوان و سختی های بسیار قراردادى بدون اطلاع هیئت وزیران با دزدان باغشاه رسید رسیده و دره زلفی که تونازان رشید و افسران پاکدامن ما بدست تبهکاران و غارتگران درخت و خون غلبیده، غمیان غارتگران آنها نهشت ملی نامیده شد این مسئله و همچنین موضوع تشکیل کمیسیون نظارت انتخابات از اعضاء حزب دموکرات ایران (که باید آنرا نشانه ای از بی اعتنائی بافکار عمومی دانست) کبیت مرکزی حزب نموده ایران را بهدم امکان ادامه همکاری منوجه ساخت.

بنا به دستور این کمیته روز چهارشنبه ۲۳ ماه مهر وزرای نموده در جلسه هیئت دولت معترضانه شرکت نورزیدند و بدین ترتیب دوران تحمل و شکستباری بابت اعتراض عملی پایان یافت.

کسانیکه تبلیغ میکنند که تمام اقدامات قوام السلطنه از بدو زمانه داری او طبق نقشه قبلی بوده است باید بدانند که منطقی نیست یعنی همه این حوادث و طرح يك نقشه طولانی در اوضاع و احوالی که شرایط داخلی و بیرونی فوق العاده زیاد در تغییر است غیر ممکن میباشد. همکس تمام تغییرات و تحولاتی که در طرز تفکر قوام و روش او صورت گرفته به اول وضعی است که با پیشرفت سیاست توسعه طلبانه امریکا و وضع خاص بین المللی که در همان موقع در سایر ممالک باختری اروپا نیز منظره شد بوجود آمد. نقش ارتجاعی قوام در ایران مانند نقش راسادیه در فرانسه و دوکاسپری در ایتالیا در اجرای نقشه های ضد دموکراتیک در کشور ما عامل مؤثری بود. قوام السلطنه که بظاهر خود را سیاستمدار مبرزی نشان می داد خیانتی نابخشودنی نسبت به آزادی و دموکراسی ایران مرتکب شده است. قوام مسئول واقعی ورود ایران به جبهه امپریالیستی و ضد دموکراسی است. آینده نشان خواهد داد که بساط تزویری که دستنگاه حاکمه ایران و امپریالیزم امریکا و انگلستان در سیاست داخلی و خارجی گسترده است جز يك قدرت موقتی چیز دیگری نمیتواند باشد. هیئت حاکمه ایران برای جوارگیری از فنا و زوال خود از هر گونه اقدامی برضد آزادی و استقلال کشور باك ندارد و تشبیه آن برای تضییع دموکراسی اگر مدت کوتاهی مزك حتمی اش را بناخبر اندازد قادر به نجات این دستنگاه خون آشام و ستمگر از سقوط و زوال حتمی نیست.

تشکیل هیئت اجرتیه و فعالیت آن

چند ماه پیش از حمله قوای دولت به آذربایجان مخصوصاً پس از کنار رفتن وزرای ما از کابینه فشار دولت نسبت به حزب و مؤسسات حزبی و افراد فعال ما به میزان فوق العاده ای افزایش یافت. کلوب های ما در ولایات یکی پس از دیگری مورد هجوم و غارت قرار میگرفت. زفتای فعال ما دسته دسته به بهانه های مختلف به حبس میآوردند و در نقاط شمالی حکومت نظامی برقرار میکردید.

با اعزام ارتش به آذربایجان فشار نسبت به حزب ما شدیدتر شد تمام دسته های ارتجاعی ایران بابتکاء امپریالیسم خارجی صرف مشترکی برضد نهضت دموکراسی ایران تشکیل داده و هدفشان خفه کردن همه آثار دموکراسی در ایران بود.

چندصد نفر از زفتای حزبی ما با وضع وحشتناکی در زندانها بسر میبردند. هدف زیادی از رفتن ما در آنر نقیب پلیس متواری بودند. جاذبه کشی ما و او باشان حزب دموکرات ایران به پشتیبانی سرلشکر ۱۵ اندامری درخوبانها و کوجه ها در کمین زفتای حزبی ما بودند.

فشار دستگاه دولتی و تحریکات مستقیم و غیرمستقیم این دستگاه بر ضد ما، فعالیت حزب ما را دچار اشکالات فراوان نموده بود.

هیئت ما که ایران میخواست با استفاده از موقعیت خاصی که شرایط بین‌المللی برای او فراهم کرده بود حد اکثر استفاده کند و حزب توده ایران را در دنبال جریان آذربایجان با تهدید و فشار و تهمت و افتراء بکلی از میان بردارد.

بعضی از جرایم که در نتیجه مبارزات منطقی ما ساخته دشمنی با ما داشتند از این‌ها و تهمت برای همه به حزب ما استفاده میکردند و در هر مورد بودند افکار عمومی را با تهمت‌های بی‌شمارانه‌ای بر ضد ما برانگیزند.

در داخل حزب حوادث آذربایجان برای عده‌ای بسیار غیرمترقبه بود. این گروه که بهیچوجه انتظار چنین تغییری را در اوضاع سیاسی ایران نداشتند [شدت ناراضی شدند و حملاتی را از داخل حزب به دستگاه رهبری آغاز کردند.

عواملی که باعث تشنج در داخل حزب گردید از اینقرار است:

۱ - عده‌ای بسبب ترس از تعقیب هیئت حاکمه و به منظور تیرگی خود در مقابل معافان ارتجاعی به همه شدیدی بر ضد دستگاه رهبری حزب پرداختند.

۲ - محدودی جاه طلب که از خیالی بیش بدون داشتن شایستگی توقع اشغال مقاماتی را در دستگاه رهبری حزب داشتند در صدد برآمدند از موفقیت دشوار حزب استفاده کرده و با تحریک احساسات بعضی از افراد ساده و کم تجربه و متهم کردن دستگاه رهبری با وجود عدم لیاقت خود مقامات حساس حزبی را اشغال کنند.

۳ - وجود نواقص واقعی حزب، اشتباهات و سوء استفاده‌ها و زیاده‌روی‌هایی که حزب ما در گذشته هاری از آنها نبود ولی بنسبیت سوء استفاده عده‌ای عناصر فرصت طلب از این نواقص، انتقاد صحیح علاقمندان به حزب دچار اشکال شده بود.

۴ - بالاخره انحرافات ایده‌واژیک و اشتباهات جدی سیاسی، علت دیگر تشنجیات داخلی حزب بود. افرادی که دارای طرز تفکر علمی دقیق نبودند و مسائل اجتماعی و سیاسی را مانند یک فرد مبارز حقیقی درک نکرده بودند شدیداً تحت تاثیر افکار خرده بورژوازی قرار داشتند. در اثر وقوع پیش‌آمدهی برای حزب بطریق غیرعلمی و غیرمنطقی اوضاع و احوال جدید را تعبیر و تفسیر میکردند و از این‌راه بعضی ناخرسندی‌ها را ادا می‌نمودند.

۵ - یاس از آینده و دور بودن کامیابی برای عناصر فرصت طلب که با امید جاه و مقام به حزب ما رو آورده بودند، عامل دیگر تشنج داخل حزب بود.

۶ - شك ایست که دشمنان ما کوشیدند از اوضاع و احوال نامساعدی که برای حزب ما پیش آمده بود حد اکثر استفاده کنند و برای این منظور بزبان حزبی و برنک حزبی افرادی را برای واژگون کردن اساس حزب تحریک میکردند.

در چنین شرایطی که حزب ما از خارج مورد فشار و تهدید قرار داشت، عده زیادی از رفقای ما محبوس با متواری بودند، بسیاری از خانواده‌های رفقای حزبی ما زندگی بسیار دشواری داشتند؛ و از طرف دیگر تشنج و اضطراب و تحریک و خرابکاری موقعیت و وحدت ما را از هر سو مورد تهدید قرار میداد؛ هنگامیکه عده‌ای از اعضاء کمیته مرکزی حزب به بهانه‌های گوناگون دچار تعقیب دستگاه دولتی بوده ادله فعالیت علمی برای پاره‌ای از آنها غیرمقدور بود، کمیته مرکزی با حضور تمام اعضاء خود اوضاع و احوال جدید را در جلسات متعدد مورد بحث قرار داد و بنا بر نتیجه به اهمیت بحرانیکه برای حزب ما پیش آمده بود و با اطلاع از تشنجیاتی که در داخل حزب بوجود آمده بود باین نتیجه رسید که باید در دستگاه

رهبری تغییراتی داده شود تا هم نقیصی که از امانت گذارماندن اجباری بکامده ازرققای مسئول کمیته مرکزی ایجاد شده بود برطرف گردد و هم بادهوت افراد جدید در دستگاه رهبری موجبات وحدت بیشتری در داخل حزب فراهم شود. کمیته مرکزی سه نفر از اعضاء خود را برای مطالعه اوضاع واحوال جدید و تهیه طرحی بمنظور تامین نظریات بالا مامور کرد. سه نفر مزبور پس از مطالعه کامل پیشنهاد کردند شورائی از اعضاء کمیته مرکزی حزب و اعضاء کمیسیون نفیث کل منتخبین کنگره اول حزب و سه نفر از اعضاء کمیته ایالتی تهران و دو نفر از کمیسیون نفیث ایالتی منتخبین دومین کنفرانس ایالتی تهران که مجبوا بیست و پنج نفر بودند تشکیل گردد. این شوری حزبی هفت نفر را که سه نفر آنها از کمیته مرکزی و سه نفر از کمیسیون نفیث کل، منتخبین کنگره اول حزب و يك نفر از کمیته ایالتی تهران منتخب دومین کنفرانس ایالتی تهران بعنوان هیئت اجراییه موقت حزب از بین خود انتخاب کنند. هیئت اجراییه موقت مسئول اداره و رهبری کلبه امور حزب بوده و بابت هر ماه افلا يك بار در شورای حزبی گزارش کار خود را مطرح کند و این گزارش مورد بررسی شورای حزب قرار گیرد.

بعلاوه هیئت اجراییه منتخب موظف باشد در عرض سه ماه مقدمات تشکیل دومین کنگره حزب را فراهم سازد.

پیشنهاد کمیسیون سه نفری در کمیته مرکزی مورد تصویب قرار گرفت. فقط يك نفر از اعضاء کمیته مرکزی با این پیشنهاد موافقت نداشت. دو نفر هم باین پیشنهاد بانظر تردید مینگرستند ولی سپس موافقت کردند.

باین ترتیب اکثریت کامل کمیته مرکزی باین پیشنهاد موافق بود. در نخستین جلسه شورای حزبی طبق تصمیم قبلی هفت نفر بعنوان هیئت اجراییه موقت حزب توده ایران انتخاب شدند و ب اداره تمام امور سیاسی و تشکیلاتی حزب پرداختند.

هیئت اجراییه موقت در جلسات نخست خود تصمیم گرفت روزنامه مردم را بعنوان ارگان هیئت اجراییه موقت انتشار دهد و این روزنامه بجای رهبر که مدتی توقیف بود انتشار یافت.

هیئت اجراییه فعالیت خود را با انتشار بیانیه ای در ۱۵ دیماه ۱۳۲۵ آغاز کرد این بیانیه حتی با نظر گرفتن شرایط دشوار روزهای تاریک پس از آذر خالی از اشتباه نبود. این بیانیه در اتقاد از گذشته زیاد روی کرد و حتی حاوی مطالبی بود که بهیچوجه با واقعیت تطبیق نمیکرد و به حزب زیان میرسانید. بعلاوه این اعلامیه خالی از انحرافات ابده نولوژیک نیز نبوده است.

اشتباهات این اعلامیه محصول محیط بروحی بود که پس از حوادث آذرماه ۱۳۲۵ ایجاد شده بود و طبیعتاً در محیط حزبی ما انعکاس داشت.

ولی اشتباهات این بیانیه ریشه های عمیقی نداشت و هیئت اجراییه بزودی با اشتباه خود پی برد و در ضمن بیانیه دیگری در ۲۰ دی یعنی پنج روز پس از انتشار نخستین بیانیه که بناسبت غیرطبیعی بودن انتخابات مجلس منتشر شد، تا حدی سوء تفاهم ها و اشتباهات سابق را مرتفع گرداند.

در این بیانیه در باره انتخابات مجلس چنین گفته شده است:

«ما در اینجا اعلام میداریم که فقط در سایه آزادی و با تضمین کاملی که مطابق قانون اساسی در کشور وجود داشته باشد حزب ما و هر حزب آزاد بخواهد دیگر میتواند

قدرت معنوی خود را نشان دهد.

والا ما هرگز ادها نی کنیم که در يك کشور مختفی، کشوری که در آن عملاً حقوق دموکراسی از احزاب سلب شده است بتوانیم در فعالیت های انتخاباتی شرکت ورزیم. درست مانند آنست که پهلوان زورمندی را با هزاران بند مقید کنید آنوقت بگوئید چرا قدرت جنبیدن و هنرنمایی کردن نداریم...؟

در مورد سوءاستفاده مرتجعین از بیانیته اول حزب ما توضیحات زیر داده شد:

چنین نهضت بردامنه و مبارزی نفس هم داشت مسا نفس را نمی پوشانیم ولی اجازه نیدهیم که دغلائی چند معاسن بزرگ و اساسی حزب را که اهمیت واقعی دارد نادیده بگیرند و برای معایبی که مانند عوارض موقتی درخشندگی هدف و مرام حزب را کدز کرده بود اصالت قائل شده و آن را وسیله اهو و جنجال و فحش و ناسزا و دروغ و بهتان و مغالطه و سلسله فرار دهند...

افراد بی مقداری که سراسر عمرشان را در مفاسد گذرانده اند و امروز در زیر نقاب زرین این قدرت کراهت منتظره خود را از نظرها می پوشانند حق ندارند يك جریان بزرگ و مبارز اجتماعی را که بدون شك سرآغاز تجدید حیات ملت ایران است بیاد دشنام بگیرند اغلب آنها حتی با آن عنصر مردودی که از صفوف حزب ما بیرون می رود قابل مقایسه نیستند...

ما با کسی نداریم از اینکه بگوئیم در کار ما نقصی وجود داشته ولی در عین حال افتخارات بزرگی داریم که بآن همیشه خواهیم بالید ما بزرگترین نهضت زحمتکشان این کشور را بوجود آورده ایم و امروز مانند همیشه طرفداری از طبقات کارگر و دهقان و کلیه کسانی را که با کار خود زندگی می کنند مانند سنت مقدس ادامه خواهیم داد. هیتت اجراییه با تشکیلاتی که نظم و ترتیب را از دست داده بود رو برو گردید و در بسیاری از موارد مجبور شد کارها را از سر شروع کند و مسئولین جدیدی برای اداره امور حزب بگمارد.

هیتت اجراییه از قدسین روزهای کار خود تصمیم به تصفیه صفوف حزب گرفت و عده ای را که سوابق تاریکی داشتند و با مرتکب اشتباهات بزرگی در گذشته شده بودند از حزب اخراج کرد. یکی از اقدامات مهم هیتت اجراییه رسیدگی بوضع بسیار دشوار زندانیان که عده آنها از چند صد نفر تجاوز مینمود و بذل کهک به خانواده های آنها بود. اقدامات هیتت اجراییه در استخلاص زندانیان بسیار موثر بوده است.

چون در این دوره در اثر فشارهای وارد به نهضت توده ای و کاهش نیروی حزب از فعالیت سیاسی خارج حزب بسط و توسعه معسوسی کاسته شد هیتت اجراییه، فرصت بهاءت کوشش بیشتری در زمینه تعلیمات و بهبود کیفیت حزب بهمن آورد.

همه سنن حزبی با وجود تمام دشواری و موانع دقیقاً حفظ و نگاهداری شد.

حزب ما در این دوره از فعالیت خود مانند همیشه سرسخت ترین مبارزان ضد استعمار و ضد دیکتاتوری بوده است. حزب ما تنها حزبی است که در موقعیت بار یک کنونی ایران بر ضد نفوذ و تسلط سیاست امپریالیستی مبارزه کرده و در فاش کردن نقشه های شوم امپریالیزم امریکا و انگلستان نقش مهمی بهمه داشته است.

مهمترین مسئله داخلی و حزبی که هیتت اجراییه در دوره شانزده ماهه فعالیت خود بآن مواجه بود مبارزه با افکار انحرافی او انکار دیسم و کروژو کیسم بود.

در این مرحله از فعالیت، قسمت اعظم وقت حزب صرف مبارزه با این قبیل انحرافات

گردید که عده‌ای از افراد حزب را جدا تحت تأثیر قرارداد داده بود.

حزب با دقت زیاد قدم به قدم با این انحرافات ایده‌نولوژیک مبارزه کرد و در جلسات متعدد بحث و انتقاد و بوسیله قطع نامه‌ها و انتشار رسالات توانست منحرفین را به عده بسیار کمی تقلیل دهد و لیدرهای آنها را از افراد خطا کار جدا سازد. ازین موقع رهبران جریان انحرافی آوانگاردیسم محیط حزب را دیگر برای افکار غلط خود مناسب ندیده نقش خانانه انشعاب را طرح کردند.

درباره عمل انشعاب و کسانی که مسبب این خیانت بوده‌اند در موقع خود توضیحات لازم داده شده است و گزارشی نیز در این شماره تنظیم گردیده که در اختیار کبیون مربوطه قرار خواهد گرفت.

انحرکات اجرائیه در عرض شانزده ماه اخیر برای احیاء و تجدید سازمان حزبی که در اثر وقوع حادثه آذربایجان دچار پراکندگی و بی‌سروسامانی شده بود با تمام قوا کوشش نمود. این هیئت با برقرار کردن ارتباط با سازمانهای شهرستانها، تجدید حیات این سازمانها بالاخره بجزبان انداختن فعالیت سیاسی حزب بطور قطع سازمان حزبی را از بحران خطرناک نجات بخشید و با تشکیل کنفرانسها و کنگره حاضر و تهیه طرح اساسنامه جدید شالوده مستحکم برای رشد آینده حزب ریخته است.

رفقا! این بود بدور خلاصه رئیس مسائلی که حزب ما در عرض سه سال و هشت ماه اخیر با آنها مواجه بوده و در حل آنها کوشیده‌است.

بدوریکه ملاحظه نمودید حزب ما در عرض سالهای اخیر فراز و نشیبهای فراوانی متی کرده است و هیچگاه از مبارزه در راه هدفی و بآن اعتقاد محکم داردم منحرف نشد و بیوست در صف اول مجاهدین و آزادیخواهان ایران و مدافع واقعی منافع توده‌های مظلوم این سرزمین قرار داشته است.

ما افتخار میکنیم که در صفوف حزبی هستیم که تاریخ آن سرشار از فداکاری و شهامت و شجاعت است. حزب در راه هدف مقدس خود قربانی‌های فراوان داد و از این راه افتخارات بزرگی نصیب وی شد که بدون شك از خاطر ملت ایران محو نخواهد شد. بسیاری از رفقای ما در این راه مقدس جان سپردند ولی پرچم آزادی ملت ایران همچنان سر بلند و در اهتزاز ماند.

رفقای مبارز ما هیچگاه در مقابل دشمن سر تعظیم فرود نیاوردند و بزبان خود نیامدند. پایداری مادر کتبه موارد و جمیع مراحل نشانه بارز ایمان ما است. همین از خود گذشته‌گی‌ها، فداکاری‌ها و قربانی‌ها است که بحزب ما حیثیت عالی و احترام مخصوصی در نزد ملت ایران بخشیده است.

بدون شك در گذشته ما نواقص و اشتباهاتی داشته‌ایم. ارتکاب این قبیل اشتباهات برای حزب جوان ما که در شرایط دشوار و محیط عقب افتاده‌ای کار میکند بسیار طبیعی است. بر شما رفقای نماینده کنگره است که به عملیات گذشته رهبری حزب با دقت کامل رسیدگی نموده با استفاده از تجربیات گذشته آن خط مشی تیرا که بتواند ما را از و در تریب هدف‌های عالی خود یعنی آزادی ملت ایران، رفاه و زحمتکشان این سامان و استقلال اقتصادی و سیاسی مبین ما برساند تعیین نماید.

چاو بد باد حزب ما پرچم دار واقعی آزادی و استقلال ایران!

شاد باد روح کسانی که در راه هدف مقدس ما جان داده‌اند!

بایند باد مبارزه زحمتکشان ایران در راه رهائی خود!

به پیش بسوی یک آینده درخشان!